

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

از شعبده بازی ۴۰ میلیونی تا حماسه سانديسی ۵۰ میلیونی

مهدی سامع
هشت ماه پس از آن که اطاق جادوگری «تجمع آرا» در یک شعبده بازی مبتذل ۴۰ میلیون آرا به حساب ولی فقیه واريز کرد، این بار در روز ۲۲ بهمن خامنه ای لشکر کشی تمام عیار خود را «شگفتی آفرینی» دهها میلیونی نامید و قبل از این که «صراط مستقیم» بین «انقلاب» و «آزادی» از زباله های تولید شده توسط حماسه آفرینان سانديسی پاک شود، در یک پیام شتاب زده با فرافکنی «معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از مردم می زنند» را مورد خطاب قرار داد تا به «صراط مستقیم» تاجر و جنایت بازگردند و به جهانیان نشان دهد که میلیونها سانديویج، سانديس، موز، پرتقال و... می تواند «نمایشگاهی از عزت و عظمت» برای ولایت خامنه ای بیاراید.

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

میدان نبرد ۲۲ بهمن، گورستان "جمهوری اسلامی"

منصور امان

این یک تصادف محض نیست که دُرست در سالگرد پیروزی قیام ضدسلطنتی ۵۷ بر حکومت نظامی، ارتش و دستگاه امنیتی رژیم حاکم، مرکز سیاسی قیام به اشغال چکمه پوشان مسلح و مُردوران امنیتی در می آید. اشباح ناپدید شده هزاران سرباز تا دندان مسلح، خودروهای نظامی و ژنرالهای جُنون زده، در ۲۲ بهمن ۸۸ به خیابانها و میدانها بازگشتند و با این حال موجبی برای شگفتی وجود ندارد. سفر سی ساله ضدانقلاب در مسیر سرکوب آمیدها و آماجهای قیام ۵۷ به پایان رسیده است و او در آخرین منزلگاه، جایی که رژیم شاه با لشکر کشی و به کار انداختن همه ی ساز و برگ نظامی و امنیتی خود حضور یافته بود تا آن را درهم شکسته و مغلوب ترک کند، فرود آمده است.

همچون محمد رضا پهلوی، علی خامنه ای نیز پس از یک نبرد ناموفق چند ماهه، به واپسین سلاح خود یعنی، باز کردن درب پادگانها و اسلحه خانه ها برای غرق کردن جامعه ی سر به شورش برداشته در امواج قهر غریبان مُتوسل شده است. در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، راه حل نهایی که می بایست یکبار برای همیشه حکومت را از دست دشمنانش خلاص کند به پاشنه آشیل آن تبدیل شد.
بقیه در صفحه ۳

تنظیم بودجه سال ۸۹ به نفع

نهادهای نظامی و به ضرر اقشار

زحمتکش مردم

زینت میرهائمی

در صفحه ۴

تلاشهای رژیم ورشکسته ولایت فقیه

در عراق جهت غلبه بر بحران داخلی

آناهیتا اردوان

در صفحه ۱۲

۸ مارس

روز جهانی زن

گرامی باد

زنان و مردان ایران زمین
به هر شکل ممکن و با حداکثر

شعارنویسی روز ۸ مارس را

گرامی داریم.

ما انقلاب نکردیم تا

به عقب برگردیم

برابری بدون قید و شرط زن و

مرد شرط اول دموکراسی است

با اندوه و تاسف بسیار رفیق یدالله با اندوه و

تاسف بسیار رفیق یدالله خسروشاهی از رهبران

جنبش کارگری ایران درگذشت.

رفیق یدالله خسروشاهی از سالهای قبل از انقلاب بهمن در جنبش کارگری ایران فعال و از رهبران سندیکای کارگران صنعت نفت بود. رژیم شاه فعالیت سندیکایی وی را تاب نیاورد و رفیق یدالله را دستگیر و در بیدادگاههای نظامی به حبس محکوم کرد.



زنده یاد یدالله خسروشاهی با اعتلای جنبش ضد دیکتاتوری از زندان آزاد و به فعالیت مجدد در جنبش کارگری پرداخت. با یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای سیاسی و فعالان اجتماعی، رفیق یدالله نیز دستگیر و در بیدادگاههای رژیم به زندان محکوم شد. مدتی پس از آزادی رفیق یدالله مجبور به ترک ایران شد. در خارج از کشور نیز دست از فعالیت برنداشت و به طور مستمر در پشتیبانی از جنبش کارگری ایران تلاش می کرد.

بدون شک با درگذشت یدالله خسروشاهی، جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهی مردم ایران یکی از یاران صدیق و پیگیر خود را از دست داده است.

درگذشت رفیق مبارز یدالله خسروشاهی را از جانب خودم و از طرف رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به خانواده او و به فعالان جنبش کارگری و جنبش اجتماعی مردم ایران تسلیت می گویم.

مهدی سامع

پنج شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۸۸ برابر با ۴ فوریه ۲۰۱۰

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت سی و نهمین سالگرد

رستاخیز سیاهکل و در همبستگی

با قیام مردم ایران

در صفحه ۱۴

مراسم سی و نهمین سالگرد رستاخیز

سیاهکل برگزار شد

متن سخنرانی زینت میرهائمی در

مراسم سیاهکل

در صفحه ۱۷

جنبش اجتماعی

و آموختن از یک تجربه

جعفر پویه

در صفحه ۸

جهان در آینه مرور

تیوری "بیشماران" و مباحث گرد آن (۴)

لیلا جدیدی

در صفحه ۱۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی

از شعبده بازی ۴۰ میلیونی تا حماسه سانديسی ۵۰ میلیونی

مهدی سامح

بقیه از صفحه ۱

پس از این نمایش فرمایشی، مجمع روحانیون مبارز، وابسته به آقایان موسوی، کروبی و خاتمی طی بیانیه ای از حمله به «شخصیتها» توسط نیروهای سرکوبگر و این که این نیروها «با حمایت و حتی مباشرت بخشی از نیروهای نظم و امنیت... از ضرب و شتم مردمی که به این رفتار غیر انسانی و غیر اخلاقی معترض بودند، دریغ نکردند» خبر داد و نسبت به مصادره «فرصت طلبانه... این حضور حماسی و میلیونی مردم به نفع اغراض حقیر خود» اعتراض کرد. این مجمع نیز دچار همان اشتباه محاسبه کودکانه ای شده که درصد بود تا مردم در نقش اسب تروا در تظاهرات فرمایشی شرکت کنند که البته مردم این فراخوان تسلیم طلبانه را نادیده گرفتند و در حضوری مستقل و به کلی متمایز از تظاهرات فرمایشی، فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سردادند. آقایان موسوی، کروبی و خاتمی و شرکا مختارند تا مدال این نمایش سانديسی را همراه با باطومهایی که در صحنه دریافت کردند را به سینه خود نصب کنند.

اما نشئه گی خامنه ای که به مدد لشگرکشی تمام عیار و بستن تمام راههای ارتباط با جهان خارج حاصل شده بود با انتشار عکسهای گولگ به خماری تبدیل شد. به تدریج عکسهای دیگری هم منتشر شد که نشان می داد «امت همیشه در صحنه» در «تلاش حماسی» برای پرکردن کیسه هایشان از ساندویج و سانديس سر از پا نمی شناسند و در جریان همین فداکاریهای بی وقفه، گمانشده ولی فقیه بر طبق عادت مشغول لاف و گزاف پیرامون احمدی نژادی شدن جهان بود. فرهاد مهدی پور در سرمقاله روز پنجشنبه ۲۹ بهمن روزنامه ابتکار، آگاهانه و یا ناآگاهانه و ناخواسته این واقعیت را بدین شکل به تصویر می کشد: «اگر چه سخنران راهپیمایی ۲۲ بهمن، به سیاق ۳۰ سال گذشته رئیس جمهوری بود، اما مانند راهپیمایی ۹ دی، تصاویر یا جملات بسیار محدودی از رئیس جمهوری در دستان راهپیمایان قرار داشت و تقریباً هیچ شعاری در حمایت از دولت سر داده نمی شد... این نکته... نشانه ای است از آن که مساله مردم، دولت نیست و آنها به درستی تشخیص داده اند که جدال فرسایشی ۸ ماهه گذشته بر سر

موضوعاتی فراتر از آرای ریخته شده به صندوقهاست». به این حرف سرمقاله نویس روزنامه ابتکار که جدال ۸ ماه گذشته فراتر از مساله انتخابات است این نکته را باید اضافه کرد که ماهیت این جدال که تمامی رویدادهای جامعه ایران را تحت الشعاع خود قرار داده، تضاد مردم با اصل ولایت فقیه و یا کل نظام است. بیهوده نیست که علی رضایی در سرمقاله روز چهارشنبه ۲۸ بهمن روزنامه جوان (وابسته به سپاه پاسداران) هم زمان از «جنبش قلبی و شورش رنگین کمانی» سخن به میان می آورد. وقتی طی ۸ ماه گذشته لبه تیز شعارهای میلیونها ایرانی علیه ولی فقیه و علیه دیکتاتوری بوده و در شرایطی که جنبش رنگین کمان مردم ایران حتی در شرایط جنگی روز ۲۲ بهمن و علیرغم تسوری کودکانه «اسب تروا» حضور مستقل و ستیزه جویانه خود را به همگان نشان می دهد، معرکه گیری خامنه ای به کارگردانی یک کوتوله سیاسی فقط به بی آبرویی خودش تبدیل می شود. سرمقاله نویس روزنامه سپاه از واژه «شورش» با بار منفی استفاده کرده تا تقلیهای «شگفتی آفرین» ولی فقیه را ماستمالی کند.

پس از حماسه سانديسی ۲۲ بهمن ایدای ولی فقیه مدعی شدند که چشم فتنه را کور کرده اند. لاید در حماسه های بعدی فتنه را کر و لال می کنند و سپس سراغ دست و پای فتنه می روند و لزومی هم نمی بینند که به این سوال پاسخ دهند که در یک کشور ۷۵ میلیونی با وجود ۵۰ میلیون حامی چه نیازی به این لشگرکشیها و بگیر و ببندها و تازیانه و دار است؟ گفته اند که دیکتاتورها از تاریخ نمی آموزند. اما مگر نه این است که اگر مستبدان بخواهند از تاریخ درسی بیاموزند باید قدرت و ثروت را رها کنند و به خاطر جنایاتی که در حق مردم کرده اند به یک دادگاه عادلانه تن دهند؟ تردیدی وجود ندارد که آیت الله خامنه ای و شرکا با آموختن از سرنوشت دیکتاتورها به سیاست بی دنده و ترمز متوسل می شوند. در توان و ظرفیت یک استبداد مذهبی، آن هم در شرایطی که اقتدار ولایت فقیه با نیروی زنان و مردان دلیر شکسته و اراجیف رهبر نظام در کوچه و خیابان به سخره گرفته می شود، راهی جز تاکید بر حرکت بی دنده و ترمز به منظور بقا باقی نمی ماند. حماسه سانديسی ۲۲ بهمن این

مسائل و حوادث تلخ ماههای اخیر براساس غفلتهای بزرگ برخی اشخاص به وجود آمد و باید توجه داشت که در عرصه سیاست غفلت و اقدامات غیر متعمدانه نیز گاه همان نتایج خیانت را به همراه می آورد. هیچکس تردید نمی کند که این «برخی اشخاص» که خامنه ای مارک «خیانت» به آنان می زند همان آقایان موسوی و کروبی هستند.

روز دوشنبه ۱۹ بهمن خامنه ای در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش گفت: «به گمان من مهمترین هدف از این حوادث دوران فتنه بعد از انتخابات این چند ماه برای این بود که بین آحاد ملت شکاف



بیانازند... آنها بخشی از ملت نیستند، افرادی هستند یا ضد انقلاب صریح، یا کسانی که بر اثر جهالت خود بر اثر لجباجت خود کار ضد انقلاب را می کنند». در این جا در کنار «ضد انقلاب صریح» که در حقیقت همان بیشماران محارب با اصل ولایت فقیه هستند، خامنه ای کسانی را قرار می دهد که بر اثر جهالت و لجباجت خود کار ضد انقلاب را می کنند و در این مورد هم بدون تردید روی سخن وی با موسوی و کروبی و اطرافیان آنان است. روز چهارشنبه ۲۸ بهمن سید علی خامنه ای در سالگرد قیام ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ در دیدار با ایادیشی از آذربایجان حماسه سانديسی روز ۲۲ بهمن را «مشت محکمی بر دهان مخالفین» دانست و گفت: «دشمنان انقلاب و برخی افراد دیگر که دانسته یا ندانسته با زبان دشمنان سخن می گویند، تلاش بسیاری دارند تا این گونه وانمود کنند که انقلاب اسلامی از راه خود منحرف شده است... آن افرادی که انقلاب را رها کنند و یا به خواست دشمن در مقابل آن بایستند، خود دچار خسران و زبان خواهند شد... این عده بر اساس توهمات که به آنها القا شده بود، غره شدند». تشابه موضع خامنه ای و رسانه های تحت امرش با موضع شاه و رسانه های گوش به فرمانش بسیار گویاست. خامنه ای تظاهرات فرمایشی و سانديسی روز ۲۲ بهمن را حماسه «شگفتی آفرین» در مقابل جنبش بیشماران که وی آن را فتنه می نامد قرار می دهد و شاه از زبان نخست وزیرش، بقیه در صفحه ۴

حقیقت را بار دیگر به اثبات رساند. پس از قیام ۶ دی (۱۰ محرم، عاشورا) همگان به چشم دیدند که چگونه زمین زیر پای ولایت به لرزه درآمده است. روز ۲۲ بهمن جبهه ولایت همه ساز و برگ و همه توش و توان خود را به کار گرفت تا در همراهی

کودکانه کسانی که مبلغ یکرنگی با جبهه ولایت بودند، قیام مردم را مهار کند. عکسهای گولگ و گزارشهای متعدد نشان داد که این لشگرکشی بی مایه تر از آن است که بتوان آن را به رقبای خودی غالب کرد و به ارادل و اوباش روحیه باخته از قیام عاشورا انرژی مثبت داد. در مقابل حضور مستقل جنبش با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای و پاره شدن تصویر بزرگ خمینی و خامنه ای که رسانه های جهان بارها آن را پوشش دادند،

نشان داد که قیام ادامه دارد و بنابراین این نظریه که گویا پس از ۶ دی و پیش از ۲۲ بهمن بین «جناحها» سازش صورت گرفته و بنابراین خامنه ای با بستن شکاف در بالا از طریق سازش خواهد توانست جنبش را سرکوب و مهار کند، برای مدتی کوتاه فقط برای مبلغان شکست و اصحاب مماشات آب اندکی گرم کرد. با این حال باید تاکید کنم که هر سازشی که معنی عقب نشینی از جانب خامنه ای را بدهد، لاجرم به معنی قرار گرفتن وی در شبی به مراتب تندتر از گذشته است.

حرفهای آیت الله خامنه ای قبل و بعد از ۲۲ بهمن نشان می دهد که وی در توازن قوای کنونی نه به دنبال سازش که خواستار تسلیم است. روز سه شنبه ۱۳ بهمن خامنه ای در جمع مسئولان و استادان دست چین شده دانشگاه تهران گفت: «برخی

سرمقاله

میدان نبرد ۲۲ بهمن، گورستان "جمهوری اسلامی"

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

موج سرکوب نظامی پس از رسیدن به نقطه ی اوج، زیر فشار قیام به عقب پس نشست و همراه خود سیل بی انتهای قیام کنندگان را از درهای باز پادگانها و اسلحه خانه ها عبور داد. حکومت صریح نظامیان در شهرویر ۵۷ آغاز پایان رژیم شاه بود. جمهوری اسلامی در بهمن ۸۸ به این مسیر با انتهای گریز ناپذیر گام نهاد. تحول ۲۲ بهمن اما فقط ترسیم آفق این پایان نیست بلکه، آغاز تجدید آرایش در نیروی شکل دهنده و طرفهای مقابل آن نیز هست.

یک پایه شدن ساختار، پایان تناقض

همه ی کسانی که روز ۲۲ بهمن ترکیب نهایی رژیم ولی فقیه برای جنگ در میدان را مشاهده کردند، به خوبی می توانستند اولویتهای اصلی و فرعی در راهبرد آن برای برخورد با جنبش را تشخیص بدهند. در حالی که حجم بُزرگی از ماموران مسلح، خیابانها و میدانهای اصلی شهر تهران را به اشغال نظامی درآورده بودند، یک نمایش بی رمق در صحنه ی به ظاهر اصلی رویداد این روز (میدان آزادی) جریان داشت که اکثریت تماشاچیان را افراد اجاره شده تشکیل داده بودند. تدارک گسترده و پُر زرق و برق عملیات جنگی در خیابانها در برابر اقدام سیاسی تشریفاتی که برگزار کنندگانش هیچ اصراری در پنهان کردن جُزییات مشروعیت شکن آن نداشتند، کفه سنگین در معادله دو وجهی حکومت را به روشنی نشان می داد.

باند ولی فقیه به این وسیله آشکار می ساخت که راهکار سلطه سیاسی خود بر جامعه را از قید تناقض میان ادعای پُر دردسر "جمهوری" مشروط اسلامی و رویارویی دایمی با "جمهور" رهانیده است و قصد دارد ناهمگونی ای را که یک حقّه باز ماکیاولیست، آیت الله خمینی به "نظام" تحمیل کرد، به سود قدرت حقیقی و منابع آن برطرف کند. در پندار برپا کننده "نظام"، تشریفات حقوقی و ساختاری جمهوری می توانست به عنوان لایه رویی استبداد مذهبی، سلطه سیاسی آن را کامل تر کند و به انحصار قدرت، ظاهر اجتماعی ببخشد. اما اینک که آیت الله خامنه ای "جمهور" پاندها را با کوشش برای به زیر ناخن کشیدن همه ی آن مُلغی کرده است بدون

آنکه از اتوریته مذهبی و سیاسی سلف اش برخوردار باشد و با این خط، "غیرخودی" ها را نیز وارد میدان رقابت خانوادگی کرده است، تشریفات جمهوری فقط می تواند به مثابه عامل تخریب پایه های اصلی قدرت عمل کند. ولی فقیه برای بقای خود در برابر جامعه ی مُعترضی که هوشمندانه روی ناهمگونیهای "نظام" مانور می دهد، چاره ای جز کنار گذاشتن پوسته ی نمایشی قدرت و قانون اساسی آن ندارد. او اکنون ناگزیر است به طور مُستقیم و بدون پرده جُداکننده ای که برای پنهان کردن ساز و کار اصلی حکومت از نگاه جامعه آویخته شده، در مقابل آن پدیدار گردد.

تغییر آرایش درونی

رویکرد مزبور که بر پشت گرایش نظامی در باند ولی فقیه به حرکت درآمده، تأثیرات بی واسطه ای بر توازن قدرت بین فراکسیونهای گوناگون "اصولگرا" در این جبهه سیاسی می گذارد و کارتهایی که از هنگام حذف باند "دوم خرداد" از دستگاه قدرت روی میز گذاشته شده است را بر می زند. رهبر جمهوری اسلامی با گره زدن بند ناف "حفظ نظام" به نیروی نظامی و ابزارهای نقد آن یعنی، سپاه پاسداران و زیر مجموعه های امنیتی و شبه نظامی اش، سازش پیشین گرد مساله تقسیم قدرت را بی اعتبار ساخته است. او ناگزیر است قدرت، نفوذ، غنیمت و پاداشی که به مُنجیان پاسدار، بسیجی، لباس شخص اش می دهد را از مُتحدان دیرپوزش باز بستاند و آنها را به منظور باز کردن فضا برای مُباشران تفنگ و چماق به دست خود، بیشتر به حاشیه براند. از این رو، "ستون خیمه" هر چه بیشتر جایگاه آسوده ی فراجانی و "فصل الخطاب" همه ی فراکسیونها در باندش را وا می گذارد و خود به محل مناقشه و محل نزاع تبدیل می شود. این امر به ویژه هنگامی که از خیابان شعار "مرگ بر خامنه ای" به گوش می رسد، کمک زیادی به تقویت موقعیت وی نه زیر خیمه و نه بیرون از آن نمی کند.

بیان سیاسی این اقدام، به گردش درآوردن دور جدیدی از جراحی در ساختار انحصاری و کوچک شده ی قدرت و حذف حلقه های بیشتری از گرد آن است و بر پیشانی آن، در گرفتن جدالهای سخت میان فراکسیونهای باند ولایت و شکل

گرفتن بُحرانهای جدید داغ شده است که در دو سطح مُختلف جریان خواهند یافت. این تفاوت را مضمون و اهداف نبردهایی توضیح می دهد که نیروهای مورد حمله قرار گرفته سازمان می دهند. در حالی که برای نزدیکترین و آدبته شده ترین گرایشها با دولت یکدست نظامی مانند طبقه مُمتاز دستگاه دیوانسالاری، آپارتیجیکهای اقتصادی و الیگارشیهای استانها، مضمون جدال را نبرد تقسیم منافع تشکیل می دهد، پورژوازی انگلی و رانت خوار و الیگارشی روحانیت سنتی را نیروی مُحرکه تضاد منافع و جنگ طبقاتی به میدان خواهد کشاند.

در هر دو صورت، نفع ویژه آیت الله خامنه ای و شرکای خاص او در هر چه مُتمرکز ساختن قدرت و هرس شاخ و برگهای مُزاحم آن، از سوی همربیشان مطرود به عنوان نفع عام "نظام" و در اینجا باند ولی فقیه به رسمیت شناخته نخواهد شد. حال پُرسش این است که آقای خامنه ای در حالی که تا گلو در گرداب شکست در یک پروژه یکدست سازی دیگر فرو رفته است، آیا توانایی، منابع و امکانات دست زدن به یک جراحی دیگر را دارد؟

هیچ شاهی برای تأیید این انگاره وجود ندارد اما در مقابل، یک پروسه ی هشت ماه خیزش اجتماعی که از اعتراض به تقلب انتخاباتی آغاز و اکنون به خواست حذف اصل ولایت فقیه رُشد یافته است، ناتوانی مرگبار حکومت از غلبه بر نتایج اشتباه قبلی خود را بازگو می کند؛ امری که درگیر شدن آن در یک بُحران تازه و آن هم در کانون مرکزی قدرت را به بندبازی بر لبه پرتگاه در حالی که با شدت به طرف سقوط هُل داده می شود، همانند می کند.

باند نظامی - امنیتی ولی فقیه یکبار در آخرین نمایش انتخابات ریاست جمهوری، پیامدهای بر هم زدن سازشی که به "خودی" ها امکان می داد رقابت خود را پیش ببرند و با این وجود مانع مُداخله "غیر خودیها" در آن گردند را تجربه کرده است. پیش از این دوره، توافق باندهای "تند رو و میانه رو" بر سر استراتژی و قواعد رقابت، از ایجاد فضای تحرک برای نیروهای خارج از این مجموعه جلوگیری می کرد و حال آنکه اکنون با ورود فاکتور جنبش اجتماعی، بحث پیرامون مساله چگونگی سازماندهی قدرت و جهت گیری آن دیگر یک

دعوای خانوادگی در چار دیواری بیت "آقا" نیست. هر شکاف جدید در "بالا" بی درنگ با نیروی اعتراضی در "پایین" پُر می شود و رفع مُزاحمت از مُحدانی که نباید در سیاست نقش ایفا کنند، "دشمنان" بیشتری را به ایفای نقش موثر تر در سیاست جلب می کند.

باند ولی فقیه برای حفظ سلطه بر جامعه، برای رفع نگرانیهایش از مسایل مربوط به آن باید قدرت سیاسی خود را در هم بشکند و خود را از بخش دیگری از پُستوانه سیاسی اش محروم کند و این همه را در شرایطی انجام دهد که نفس آتشین یک نیروی خردکننده را بر پُشت گردن خود دارد.

موقیبت آوانس خواه ها

رویکرد جدید آیت الله خامنه ای همزمان به معنای بسته شدن هر چه بیشتر دایره مانور سیاسی و تحرک عملی نیروهایی است که بین جنبش اجتماعی و حکومت بندبازی می کنند و رسالت شان را مُتدل کردن تضادهای این دو جبهه قرار داده اند. اگر چه آقایان خامنه ای، رفسنجانی و جریانهایی که آنها نمایندگی می کنند از تلاش پُشت پرده برای بر سر لطف آوردن باند رقیب طرفی نبسته اند اما همچنان راهبرد اصلی آنها را بازی در زمین مین گذاری شده حکومت و آوانس گرفتن از آن تشکیل می دهد.

کوشش همه جانبه آنها برای کُنترل اعتراضهای ۲۲ بهمن و تغییر جهت تظاهرات در این روز به سوی مجلس آشتی کتان و "همدلی همه ی گروهها"، چراغ سبزی به آیت الله خامنه ای و "عقلای اصولگرا" بود که ریاکارانه "آشتی ملی" با آنها را مشروط به مرزبندی با "مُماندان" ساخته بودند. دستپاچگی جریانهای "اصلاح طلب" برای نشان دادن حُسن نیت خود حتی تا آنجا پیش رفت که در بیانیه هایی که با امضاهای مُختلف برای اعلام شرکت در مراسم ۲۲ بهمن صادر کردند، یکصدا خواستار انحلال جنبش اجتماعی در تظاهرات حکومتی و سر دادن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" از جانب آن شدند.

هیچکس و از همه بیشتر خود نویسندگان بیانیه های مزبور باور نداشتند که مُخالفان و مُنتقدانی که با وجود سرکوبهای وحشیانه هفته های پیش از ۲۲ بهمن و تهدیدهای مداوم آدمکشان "نظام" به خیابان می آمدند، اعتنای در خور توجّهی به توصیه ها و رهنمودهای آنها داشته باشند. از این رو اگر "اصلاح طلبان" با این وجود زحمت به ظاهر بیهوده مزبور را بر خود هموار می کردند، فقط یک دلیل می توانست داشته باشد و آن فرستادن پیام مُصالحه به گیرنده علاقمند دیگری بود.

پاسخی که آنها در ۲۲ بهمن دریافت کردند، می تواند نه فقط به عنوان یک ضربه سخت به آمیدها و توقعات روز شان بلکه همچنین به ایده کلی آنها در

بقیه در صفحه ۴

تنظیم بودجه سال ۸۹ به نفع نهادهای نظامی و به ضرر اقشار زحمتکش مردم

زینت میرهاشمی

بیکاری، عدم امنیت شغلی، تعطیلی واحدهای تولیدی داخلی و افزایش واردات از اثرات مستقیم طرح حذف یارانه ها خواهد بود.

یکی از اثرات طرح حذف یارانه ها رشد نامتناسب نقدینگی خواهد بود.

بر اساس گزارش بانک مرکزی میزان نقدینگی تا پایان شهریور سال جاری به ۲۱۱ هزار و ۶۶۱ میلیارد تومان رسید که نسبت به ماه مشابه در سال گذشته ۲۶/۷ درصد رشد داشته است. یادآوری می کنم که وقتی احمدی نژاد به قدرت رسید میزان نقدینگی ۶۰ هزار میلیارد تومان بود.

بر اساس یک گزارش در اعتماد روز دوشنبه ۱۲ بهمن «افزایش حجم نقدینگی از ۱۹۰ هزار میلیارد تومان به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان طی شش ماهه منتهی به شهریور ۱۳۸۸ نشان دهنده افزایش ۱۰ هزار میلیارد تومانی و رشد شش درصدی حجم نقدینگی طی این دوره است.»

دولت در برابر منبع مالی عظیمی که از حذف یارانه ها به جیب خواهد زد، وعده میزان اندکی یارانه نقدی به اقشار بسیار کم درآمد داده است. طرح ارائه این یارانه ها هنوز نامشخص است. در این طرح خانوارها به سه خوشه تقسیم شده اند.

خوشه نخست دهکهای اول تا چهارم خوشه دوم دهکهای پنجم تا هفتم خوشه سوم دهکهای هشتم تا دهم چنین فرض شده که اگر درآمد سرانه هر نفر در خوشه اول ماهانه ۷۹ هزار تومان و در آمد سرانه هر نفر در خوشه دوم ۱۳۰ هزار تومان باشد یارانه نقدی به آنها تعلق می گیرد. رشد قیمت‌ها، انبار شدن منبع عظیم مالی و پخش یارانه هیچ خوانایی با هم نداشته و این طرح به سمت فربه تر شدن دولت، حامیان آن و سرمایه داران و نیز فقیر تر شدن اقشار کم درآمد منجر خواهد شد.

بر اساس طرح حذف یارانه ها، قرار است از سال آینده خورشیدی یارانه ۱۶ قلم کالا و خدمات از جمله مواد سوختی نظیر بنزین، گاز برق و کالاهای اساسی مانند گندم، قند و شکر، روغن حذف شود و طی یک دوره پنج ساله مصرف کنندگان هزینه نهایی این کالاها را بپردازند.

کشاکش بر سر منبع مالی به دست آمده از حذف یارانه ها همچنان بین مجلس و دولت در ماه گذشته در جریان بوده است. اعضای مجلس از بی اعتنائی رئیس دولت به دستگاه مقننه و نیز قانون شکایت دارند.

بقیه در صفحه ۵

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

تظاهرات فرمایشی روز ۲۱ فروردین سال ۱۳۵۷ را که در تقابل با قیام مردم تبریز برپا شده بود جلوه ای از حمایت از سلطنت نامید.»*

در همین سخنان نیز خامنه ای به عده ای اشاره می کند که معتقدند «انقلاب اسلامی از راه خود منحرف شده است.» وی این عده را افرادی می داند که غره شده اند. خطاب این بخش از سخنان ولی فقیه به موسوی و کروبی است.

حرفهای خامنه ای که بدان اشاره شد و صدها مقاله و اظهار نظر از عمده و اگره ولی فقیه جای تردیدی باقی نمی گذارد که چشم انداز سازش در توازن قوای کنونی یک چشم انداز واقعی نبوده و پس از ۲۲ بهمن هر دو وجه تضاد، یعنی تضاد بین مردم با کل حاکمیت و تضاد درون هرم قدرت و ثروت تشدید شده است. بدیهی است که در چنین شرایطی اگر خامنه ای تن به عقب نشینی بدهد، در مسیر پرشتاب رشد جنبش اجتماعی مردم ایران باید جامه‌های زهر را یکی پس از دیگر بنوشد. این یک اصل مهم در سیاست است که در بحران غیرقانونی (بحران انقلابی) اولین عقب نشینی دیکتاتور آخرین فرصت او برای بقا است.

جنبش مستقل بیشماران در روز ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ نه در هم‌رنگی با تظاهرات فرمایشی خامنه ای و نه در نقش «اسب تروا» که در تقابل با این هر دو خود را نشان داد. تلاش وحشیانه نیروهای سرکوبگر رژیم نتوانست قیام مردم را مهار کند. زنان و مردان میهنمان بار دیگر بپاخاستند و با رزمی مشترک استبداد مذهبی را به چالش کشیدند.

خیزش روزهای ۶ دی (عاشورا) و ۲۲ یک بار دیگر نشان داد که نقطه قوت جنبش بیشماران در همبستگی علیه دیکتاتوری و در چند صدایی برای بیان خواسته های گوناگون است. این گوناگونی مطالبات به این قیام خصلت رنگین کمان داده است. تنوع نیروهای شرکت کننده در قیام و مطالبات گروه‌های اجتماعی در تقابل با یک رنگی که لاجرم به نیرنگی تبدیل می شود است. رزم مشترک ما در ستیز با استبداد و برای آزادی تعریف می شود. شبکه های گوناگون اجتماعی در تظاهرات روز ۲۲ بهمن با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای قیام برای آزادی را تداوم بخشیدند و همین زنان و مردان با عزمی جزم خود را برای شب چهارشنبه سوری آماده می کند.

زیرنویس:

*به صفحه اول روزنامه اطلاعات ۲۱ فروردین ۱۳۵۷ که ضمیمه این یادداشت است نگاه کنید.

سرمقاله

بقیه از صفحه ۳

مورد نقش و جایگاه خود ثبت بشود زیرا وجود شریفی که آنان برای خود قایل هستند تنها در صورت پذیرفته شدن از سوی هر دو سوی میدان می تواند در عالم واقعیت به بازی گرفته شود. این در حالی است که شتر سواری دولا دولای آنها در برخورد به بزنگاه ۲۲ بهمن، از یک سو باند نظامی - امنیتی را بیشتر و بهتر مطمئن ساخت که استراتژی رقبایش برای تأثیرگذاری بر رویدادها از دلبری، چاپلوسی و رقصیدن به هر ساز آنها که از تربیونهای عمومی یا صدا و سیما نواخته می شود، فراتر نمی رود و از سوی دیگر، جنبش اجتماعی را به ماهیت دوگانه و اعتماد ناپذیر مدافعان شرمگین حفظ "نظام" - که هر چیز و هر ایده فائزتری می تواند باشد جز "نظام" ی که به طور واقعی وجود دارد - بیشتر موجه ساخت. حضور دست و پایسته اینان در میدان نشان داد که نه حاضرند انحصار قدرت را از سوی باند رقیب تحمل کنند و نه غرضه ی کشیدن تخت از زیر پای آن را دارند.

برآمد

جنبش اجتماعی میدان جدال ۲۲ بهمن را به گورستان "جمهوری اسلامی"، ساختار بی قواره و ناهمگونی که از جوهره استبداد مذهبی و پوسته جمهوری "خودبها" سرهم بندی شده است، تبدیل کرد تا آن را در شکل و ترکیب اصلی اش نمودار سازد. ناتوانی ولی فقیه و همدستانش از سرکوب خیزش و ترس جنون آسا از آن، قدرت درک شرایط اکنون و تصحیح - حتی نیم بند - اشتباه مرگباری که ۸ ماه پیش مژگن شدند را از آنها گرفته است. آرایش نظامی در برابر جامعه، توسل به امامزاده ای است که در ۲۲ بهمن ۵۷ جای شفا دادن کور کرد. در ۲۲ بهمن ۸۸ از سنگر بندی خیابانی خبری نبود اما تاکتیک تغییر یافته آقای خامنه ای بار دیگر شن برای موتور ماشین جنگی "نظام" و کیسه های مملو از آن برای خیابان را با می گرداند.

در حالی که همه داده های اماری توسط نهادهای حکومتی و نیز کارشناسان اقتصادی گواهی به بحرانی بون وضعیت اقتصادی می دهند، احمدی نژاد با شیادی و آمارسازی دروغ، بدون به حساب آوردن بخشهای دیگر نهادهای حکومتی، به نفع نظامی کردن هر چه بیشتر اقتصاد گام بر می دارد.

احمدی نژاد روز ۲۸ بهمن، در برابر خبرگزاریهای حکومتی نرخ رشد اقتصادی را ۶/۹ درصد اعلام کرد. در حالی که یکی از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس به نام جمشید انصاری در گفتگو با روزنامه حکومتی مهر به تاریخ ۲۹ بهمن ۸۸ این گفته احمدی نژاد را غیر واقعی دانست و گفت: «طبق آمار بانک مرکزی که امسال منتشر شد، رشد اقتصادی ما در سال ۸۷، برابر با ۲/۷ درصد است.» وی اشاره کرد که البته مراجع مستقل همچون بانک جهانی رشد اقتصاد ایران را ۱/۵ درصد اعلام کرده اند. این آمار خلاف وعده های احمدی نژاد بر رساندن رشد اقتصادی به ۸ درصد در پایان سال ۸۸ و پایان برنامه چهارم است.

چالشهای طرح حذف یارانه ها

حذف یارانه ها و منابع مالی به دست آمده از آن همچنان مورد دعوی مجلس و دولت است. تحلیلهای اقتصادی وخیم تر شدن وضع اقتصادی را در اثر اجرایی شدن طرح یارانه ها پیش بینی می کنند. این داده های تحلیلی بر افزایش تورم به بالای ۴۰ درصد و رسیدن خط فقر به بیش از یک میلیون تومان گواهی می دهند.

عباس وطن پرور نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار در گفتگویی با ایرنا در تاریخ سه شنبه ۲۷ بهمن در این باره گفت: «افزایش ۴۰ هزار میلیارد تومانی رقم بودجه به دلیل اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها، خط فقر را به بیش از یک میلیون تومان و نرخ تورم را نیز به بیش از ۴۰ درصد خواهد رساند.»

بر اساس تحقیقات موسسه مطالعات انرژی، با افزایش قیمت حاملهای انرژی، مصرف واقعی شاخص رفاه اقتصادی در خانوارهای روستایی ۱۷ تا ۳۰ درصد و در خانوارهای شهری ۱۵ تا ۲۷ درصد کاهش می یابد. همین مطالعه نشان می دهد با فرض افزایش قیمت بنزین به اندازه ۴۰۰ درصد میانگین تورم ۵/۶ درصد افزایش می یابد. تولید و اشتغال نیز به طور متوسط ۲/۲ و ۳/۶ درصد کاهش خواهد یافت.» (اعتماد ۱۳ بهمن ۸۸).

تنظیم بودجه سال ۸۹ به نفع نهادهای نظامی و به ضرر اقتدار زحمتکش مردم

بقیه از صفحه ۴

برای مثال مجلس تصویب کرده که طرح هدفمند کردن یارانه ها و یا حذف یارانه ها در مدت زمانی ۵ سال باشد و دولت در سال اول تا ۲۰ هزار میلیارد تومان در آمد داشته باشد. در حالی که دولت این منبع درآمد برای خود را در همان سال اول دوبار یعنی ۴۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته است. مورد دیگر صندوق توسعه ملی است. بر اساس برنامه پنجم اقتصادی قرار بر این بوده که حداقل ۲۰ درصد درآمدهای نفت، گاز و فرآورده های نفتی به این صندوق واریز شود. ایجاد این صندوق به دستور ولی فقیه بوده است. احمد توکلی رئیس بخش پژوهشهای مجلس در رابطه با دست اندازی دولت روی این صندوق می گوید: «شما آقایان دولتی در لایحه بودجه ۸۹ صندوق را تاسیس کرده اید و گفته اید خودمان اساسنامه اش را تصویب می کنیم، در حالی که در سیاستهای کلی آورده شده، مجلس باید اساسنامه صندوق را تصویب کند. بعد ۱۳ هزار و ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به این صندوق واریز کردید و پول نفت را در آن در نظر گرفتید و همه آن را برداشت کردید و یک صندوق خالی باقی گذاشتید.» (اعتماد سه شنبه ۲۰ بهمن)

تعیین بودجه سال ۸۸ به نفع

سپاه پاسداران و بسیجیها

بودجه سال ۸۹، دستگاه نظامی و امنیتی رژیم افزایش چشمگیری داشته است. طرح بودجه سال ۱۳۸۹ در تاریخ ۴ بهمن به مجلس داده شد. میزان این بودجه ۳۶۸ هزار میلیارد تومان (معادل ۳۶۸ میلیارد دلار) در نظر گرفته شده است. این بودجه نسبت به بودجه سال ۱۳۸۷، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. یعنی ۳۰ درصد نسبت به سال قبل بودجه دولت افزایش پیدا کرده است. نگاهی به ارقام تنظیم شده در این بودجه تقسیم ناعادلانه ثروت مردمی به نفع نهادهای نظامی، و به ضرر مردم آشکار است. این آمارهایی حکومتی است و ابعاد واقعی و عمق فاجعه تقسیم ناعادلانه ثروت را به درستی نشان نمی دهد. بودجه علنی نهادهای نظامی از ۱۱ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ به ۱۴ هزار و ۲۲۵ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است.

بودجه ای که برای سپاه پاسداران در نظر گرفته شده از ۴ هزار و ۸۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ با ۳۰ درصد افزایش معادل ۹۷۵ میلیارد تومان به ۵ هزار و ۸۲۵ میلیارد تومان در سال ۸۹ افزایش یافته است. بودجه وزارت دفاع و پشتیبانی ۵۰ درصد افزایش داشته است. بودجه ارتش از ۱۸۰۰ میلیارد تومان به ۲ هزار و ۲۱۳ میلیارد تومان افزایش یافته است.

در مطلبی در سایت حکومتی آفتاب تاریخ ۱۰ بهمن، به قلم پرویز بابایی آمده است: «مجموع بودجه نهادهای نظامی از ۱۱۲۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ به ۱۴۷۵۳ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ افزایش داشته است. بودجه پیشنهادی سپاه پاسداران از ۴۸۵۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ با ۲۰ درصد افزایش معادل ۹۷۵ میلیارد تومان به ۵۸۲۵ میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با ایسنا به تاریخ ۲۳ بهمن ۸۸ می گوید، بودجه ای که برای وزارت بهداشت در نظر گرفته شده است از ۳۰ درصد افزایش بودجه نسبت به سال قبل، تنها ۶ درصد سهم وزارت بهداشت است. وی می گوید: «دولت ۸ هزار میلیارد تومان بودجه برای وزارت بهداشت در نظر گرفته که بدون شک با توجه به ۲۰۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه وزارت بهداشت و رشد ۶۱ درصدی بودجه، سرانه شش هزار و پانصد تومانی به زیر ۴ هزار تومان خواهد آمد، بنابراین بیشتر از ۷۰ درصد از هزینه های درمان دوباره به دوش مردم می افتد.

بی اعتنایی احمدی نژاد نسبت به مجلس و قانون مورد اعتراض نزدیکان خودش قرار گرفته است.

توکلی در گفتگویی با اعتماد سه شنبه ۲۰ بهمن گفت که دولت در لایحه پیشنهادی خود به عناوین مختلف اجازه جا به جایی اعتبارات را از مجلس گرفته است. وی در همین رابطه می گوید: «معنای این حرف این است که اصلاً بودجه بی نوشته نمی شود و هیچ رقمی قابل اتکا نیست.» وی در اعتراض به بی اعتنایی احمدی نژاد لایحه بودجه سال ۸۹ را غیر واقعی ارزیابی می کند.

افزایش بودجه سپاه و بسیج

احمدی نژاد در سخن پرانگیزیهای خود هنگام ارائه طرح بودجه به مجلس، بر اهمیت افزایش بودجه بخش فرهنگی تاکید کرد. بر همگان روشن است که بخش فرهنگی جمهوری اسلامی همان تقویت بخشهای نظامی مانند بسیج و سپاه در جهت مقابله با مردم و رواج فرهنگ ارتجاعی ولایت فقیه است. این توجه را می توان در تعیین



میزان بودجه برای نهادها و انجمنهای وابسته به دولت مشاهده کرد.

احمدی نژاد در رابطه با بخش فرهنگی بودجه می گوید: «علاوه بر بودجه های معمول بخش فرهنگ که در سال ۸۸ به حدود ۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بالغ می شود، ۱۵۰۰ میلیارد تومان به بخش فرهنگ اختصاص داده شد که ۹۰۰ میلیارد تومان آن برای کارهای نرم افزاری فرهنگ و توسعه تولید و محتوای فرهنگی و ۶۰۰ میلیارد تومان هم برای زیرساختهای فرهنگی اختصاص می یابد.» (دویچه وله دوشنبه ۱۲ بهمن)

در ساختار ولایت فقیه، وظایف پیشبرد فرهنگی در دست بسیج وابسته به سپاه است.

به چند نمونه کارهای فرهنگی که در زیرساختهای دستگاههای نظامی امنیتی رژیم است و برای آن افزایش بودجه در نظر گرفته شده است، در زیر اشاره می کنیم.

دانشگاه امام صادق که از دانشگاه تربیت رجال برای اشتغال در وزارت کشور و وزارت خارجه و نهادهای نظامی و امنیتی است به عنوان نهاد فرهنگی در نظر گرفته شده است.

سازمان تبلیغات اسلامی ۳۷ میلیارد تومان دفتر تبلیغات حوزه علمیه ۴۷ میلیارد تومان شورای عالی حوزه علمیه ۱۹۱ میلیارد تومان مرکز خدمات حوزه علمیه ۱۱۴ میلیارد تومان

شورای عالی حوزه ۶ میلیارد تومان بنیاد فرهنگی مولانا ۳۳۷ میلیون تومان. این موسسه وابسته به حمید مولانا، مشاور احمدی نژاد است

کانون نویسندگان قم ۲۰۰ میلیون تومان موسسه بصیرت، ترجمان وحی، پرتو ثقلین، موسسه علوم و معارف اسلامی نور، موسسه مصباح الهی، موسسه سفینه النجاه، جزو بنیادهایی هستند که از دولت پول دریافت می کنند.

در بودجه سال ۱۳۸۹ کمک هزینه همه اشخاص حقیقی و حقوقی از ۴۳ میلیارد و ۵۱۷ میلیون تومان به ۹۳ میلیارد و ۷۱۷ میلیون تومان رسیده است.

سهم موسسه آینده روشن (موسسه مهدویت) که رحیم مشاعی رئیس دفتر احمدی نژاد موسس آن است، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان است.

برای مرکز اسناد انقلاب اسلامی به ریاست حسینیان ۵۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است.

برای موسسه آموزشی و پژوهشی خمینی که متعلق به آیت الله

مصباح یزدی است نیز برای تملک دارائیهای سرمایه ای مبلغ ۱۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. (تهران امروز ۱۰ بهمن ۸۸)

افزایش کمک به اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی در بودجه سال ۸۹ رشد ۱۴۳/۵ درصدی دارد. بودجه نهاد ریاست جمهوری و اشخاص حقوقی و حقیقی که به نحوی به ریاست جمهوری وصل هستند افزایش چشمگیری دارند.

علاوه بر افزایش بودجه این اشخاص، در سال ۸۹ بر تعداد آنها هم افزوده شده است.

بر اساس همین منبع کمک هزینه های اشخاص حقیقی و حقوقی در جدول بودجه ۸۹ از ۴۳ میلیارد و ۵۱۷ میلیون تومان به ۹۳ میلیارد و ۷۱۷ میلیون تومان رسیده است

تملك دارائیهای سرمایه ای در این جدول و برای کمک به این اشخاص از ۲۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به ۶۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. در مجموع کمک به این اشخاص رشد ۱۴۲/۵ درصدی در بودجه سال ۸۹ را نشان می دهد.

در روزهای پایانی سال ۸۸، بار دیگر تعیین حداقل دستمزد کارگران و مزدبگیران بدون مداخله نمایندگان واقعی کارگران و بدون در نظر گرفتن نرخ تورم و سبب هزینه زندگی، در ساخت و پختهای شورای عالی کار، نمایندگان کارفرمایان در جریان است. با توجه به آمارهای ارائه شده، رشد قیمتها، رشد تورم و اجرایی شدن طرح یارانه ها، از طرف کارشناسان اقتصادی از ۸۰۰ تا یک میلیون تومان برآورد شده است. با توجه به نامتناسب بودن حقوق کارگران و مزدبگیران با این خط فقر، خراب تر شدن وضعیت معاشی مردم پیش بینی می شود. مبارزه برای افزایش دستمزد و رساندن آن به نرخ واقعی و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران در تعیین این دستمزد، در حرکتیهای اعتراضی کارگران در روزها و ماههای آینده خود را نشان خواهد داد. بقیه در صفحه ۶

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۸۸

بقیه از صفحه ۵

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنج و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می‌کنیم.

* کارگران نساجی بافته های کرمان از ساعت روز یکشنبه ۴ بهمن اقدام به بستن جاده کردند. این کارگران علت تجمع و بستن جاده را انحلال شرکت توسط سهامداران اعلام کردند.

یکی از کارگران به خبرنگار ایلتا گفت: چندی پیش عده ای از مدیران در هیات تشخیص تصمیم به انحلال شرکت و انتقال دستگاهها به شهرستان قزوین گرفتند که در اعتراض به این امر ما ظهر امروز اقدام به بستن جاده کردیم.

* کارگران کارخانه لاستیک البرز، کیان تایر سابق، طی روزهای شنبه ۱۰ و یکشنبه ۱۱ بهمن در اعتراض به پرداخت نشدن حدود دو ماه حقوق خود در داخل این واحد تولیدی تجمع کردند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران تجمع روز یکشنبه کارگران لاستیک البرز تهران همراه با آتش زدن لاستیک های فرسوده از سوی آنان صورت گرفت.

در دو سال اخیر، کارگران کارخانه لاستیک البرز بارها در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود و همچنین عملکرد مدیریت این کارخانه دست به اعتراض یا اعتصاب زده اند.

حسین، یکی از کارگران این واحد تولیدی، در مورد اعتراض کارگران لاستیک البرز و سابقه مشکلات این کارخانه به «رادیو فردا» می گوید: «کارگران خواستار پرداخت حقوق یک ماه و نیم خود و نیز پنج ماه مطالبات شان از دوره مدیریت گذشته این کارخانه بودند.»

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران روز شنبه ۱۰ بهمن ماه، ۹ نماینده اخراجی کارگران کیان تایر بر سر کارهای خود بازگشتند و روز بعد پس از مذاکرات و توافق نماینده های کارگران با مدیریت و فرماندار اسلامشهر کارگران به تجمع خود پایان داده و بر سر کارهایشان باز گشتند.

* کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان روز پنج شنبه ۸ بهمن

در صدد اعتصاب بر آمدند که با وعده معاونت اداری مالی کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران در روز شنبه دهم بهمن ماه از اقدام خود منصرف شدند. اما روز شنبه از پرداخت حدود ۲/۵ ماه از دستمزد معوقه کارگران خبری نشد و به همین منوال تا روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه کارفرما به وعده خود مبنی بر پرداخت دستمزد کارگران عمل نکرد.

به گزارش روز ۱۳ بهمن اتحادیه آزاد کارگران ایران، به دنبال این وضعیت کارگران از اولین ساعت کاری روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه دست از کار کشیدند و تولید را در سالنهای مختلف خواباندند. در پی این اعتصاب از سوی کارگران بار دیگر معاونت اداری و مالی کارخانه حدود ساعت ۱۱ صبح به کارگران اعلام کرد شب دستمزدهای آنان پرداخت خواهد شد و به این ترتیب کارگران به اعتصاب همداری خود پایان دادند.

بنا بر این گزارش دیشب نیز کارفرمای نورد لوله صفا به وعده خود عمل نکرد و همین امر باعث شد کارگران این کارخانه از اولین ساعت اداری امروز سه شنبه ۱۳ بهمن ماه بار دیگر اعتصاب خود را از سر بگیرند. با شروع مجدد اعتصاب از سوی کارگران حوالی ظهر تعدادی از مسئولان کارخانه که از تهران آمده بودند در میان آنان حاضر شدند و اعلام کردند فردا ۱۴ بهمن ماه دستمزدهای معوقه کارگران حتما پرداخت خواهد شد. کارگران نیز متقابلا اعلام نمودند چنانچه فردا نیز کارفرما به وعده خود عمل نکند بار دیگر و این بار بطور نامحدودی اعتصاب را از سر خواهند گرفت و تا دریافت دستمزدهای معوقه خود دست از اعتصاب نخواهند کشید.

کارخانه نورد لوله صفا در ۹ کیلومتر ۹ اتوبان تهران ساوه قرار دارد و حدود ۱۳۰۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند.

* کارگران شرکت آونگان اراک صبح چهارشنبه ۱۴ بهمن سر کار خود حاضر نشدند و در اعتراض به این که شش ماه حقوق نگرفته اند، در خیابانهای اصلی شهر اراک تجمع کرده و مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

به گزارش روز پنجشنبه ۱۵ بهمن خبرگزاری دولتی مهر، تعداد کارگران معترض ۴۰۰ تن است که خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیتشان و برخورد قانونی با مالکان این شرکت بوده اند.

همزمان با تجمع کارگران در خیابانهای اراک، یگانهای نیروی انتظامی حضور موثر داشته و ترافیک سنگینی هم در خیابانهای منتهی به محل تجمع ایجاد شده بود. کارگران کارخانه آونگان اراک شش ماه است که حقوق نگرفته اند و می گویند مسئولان استان مرکزی هنوز کاری برای رفع مشکلات آنها نکرده اند و هیچیک از تعهداتشان جرا نشده است.

* کارگران شرکت بن رو در روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۲ و ۱۳ بهمن در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه از دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در تمام طول روزهای ۱۲ و ۱۳ بهمن ماه ادامه داشت و سر انجام با پرداخت یک ماه از دستمزدهای معوقه کارگران در صبح روز چهارشنبه ۱۴ بهمن ماه پایان گرفت.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران به استثنای دستمزد بهمن ماه، هم اکنون سه ماه دستمزد معوقه دارند و اعلام کرده اند چنانچه در اسفند ماه دستمزدهای معوقه آنان پرداخت نشود بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد.

شرکت بن رو مونتاژ کننده ماشینهای خارجی (بنزهای کوبه) حدود ۸۰۰ نفر کارگر دارد و در جاده سلفچگان قرار دارد.

* روز سه شنبه ۲۰ بهمن کارگران تونل توحید، در پی پرداخت نشدن حقوق خود مقابل ورودی تونل اجتماع کردند.

به گزارش هرانا این تجمع سبب شد تا مسیر شمال به جنوب بزرگراه چمران از برج میلاد تا درب تونل با ترافیک شدیدی همراه شود. همچنین برخی از شهروندان با تلفن همراه خود برای گرفتن عکس و فیلم از این تجمع روانه تونل شدند که این امر نیز بر شدت ترافیک افزود.

* روز سه شنبه ۲۷ بهمن حدود ۱۰۰ ترخیص کار خرمشهری در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود در گمرک این شهرستان، تجمع کردند. هرانا به نقل از پایگاه خبری سفیر، در حالی که گمرک خرمشهر هنوز دو ماه طلب استرداد ترخیص کاران را به آنها نداده، روز سه شنبه بدون هیچ اطلاع قبلی اعلام کرده است تا زمانی که ۱۰ درصد پول مبلغ گمرکی به منطقه آزاد واریز نشود، اجازه ترخیص کالاها را نمی‌دهد.

یک گزارش از اعتراضات کارگری در شرکت صنایع اراک

هفته نامه عطر یاس گزارشی از اعتراضات کارگری در شرکت صنایع اراک منتشر کرده که سایت خودرو کار در روز یکشنبه ۱۸ بهمن آن را منعکس کرده است. متن این گزارش به قرار زیر است.

تجمع کارگران شرکت صنایع اراک در ادامه اعتراضات دو سال اخیر کارگران این شرکت در قبال تاخیر مدیرعامل در پرداخت حقوق و مزایای کارکنان، تعطیلی کارخانه و اخراج کارگری می باشد. تعدادی از کارگران که در حین اعتراض و تجمع در محوطه داخل کارخانه بازداشت شده بودند، پس از یک شبانه روز بازداشت موقت آزاد شدند اما کارگران همچنان با مشکلات فراوان روبرو هستند.

یکی از این افراد ضمن اعتراض به غیرمنصفانه بودن بازداشت آنها گفت: کجای دنیا فردی را که به دنبال حق طبیعی خود می باشد بازداشت می کنند؟ مگر ما از مدیر کارخانه بیشتر از حقوق عادلانه خود طلب داریم؟ دفعات مکرر حتی به همراه خانواده های خود جهت احقاق حقوق معوقه و مآخره به نشانه اعتراض جلوی در استانداری تجمع کردیم ولی نه تنها مشکلات ما از سوی هیچ مقام مسئولی حل نشد بلکه با همکاران ما و خانواده آنها برخورد صورت گرفت. همه این جریانات در حالی رخ داده که شرکت صنایع اراک همچنان تعطیل است و تولید در شرکت متوقف می باشد.

یکی دیگر از کارگران کارخانه که از ذکر نام خود خودداری کرد، اظهار داشت: مدیر شرکت به هیچ وجه در کارخانه حضور فیزیکی نداشته و بر اوضاع فعلی نظارت ندارد. همچنین در مقابل اعتراض کارگران و شکایت آنها این گونه اظهار می دارد که حقوق خود را از فردی دریافت کنید که در انتخابات به او رای داده‌اید.

وی افزود: حتی در ارائه اعتراضات خود به اداره کار نیز مراجعه کردیم که رئیس اداره کار در پاسخ گفت: هدف مدیرعامل شرکت صنایع، انبوه سازی در کارخانه است که البته ما مخالفت خود را در این زمینه اعلام کرده ایم، ولی وی بر تصمیم خود پافشاری می کند.

رئیس شورای اسلامی کار شرکت صنایع که از ابتدای بروز مشکلات، پا به پای کارگران احقاق حقوق آنها را پیگیری کرده گفت: واگذاری یک شرکت، اگر به تولید و اشتغال بیشتر منجر نشود و سبب ایجاد بیکاری و مشکلات معیشتی کارگران گردد، به هیچ وجه نمی تواند نقشی در توسعه صنایع داشته باشد.

حسین نوروزی افزود: ضرر دولتی بودن یک

بقیه در صفحه ۷

و خواستار آزادی او شد. آقای نجاتی که در پاییز سال جاری بازداشت شد، به دو سال زندان محکوم شده است.

۹۰۰ هزار کارگر صنعت برق

در آستانه بیکار شدن

محمد پارسا، رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق می گوید ۹۰۰ هزار نفر از کارگران صنعت برق ایران در آستانه بیکاری قرار دارند.

به گزارش روز چهارشنبه ۲۸ بهمن رادیو فردا، رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران به خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفته که اگر برای این مشکل چاره جویی نشود تمام واحدهای تولید کننده تجهیزات برقی تعطیل و ۹۰۰ هزار نفر نیروی کار که مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت مشغول به کار هستند، در معرض بیکاری قرار دارند.

بنابر گزارش سندیکای برق، شرکتهایی که در بخش برق فعالیت می کنند بیشتر از پنج هزار میلیارد تومان (پنج میلیارد دلار) از دولت طلب دارند و دولت قادر به پرداخت بدهی خود نیست.

به گفته محمد پارسا، خریدار ۹۹ درصد از تولیدات شرکتهای عضو سندیکای برق،

دولت یعنی وزارتخانه های نیرو و نفت هستند اما این مشتریان کالا را می خرند ولی پولی بابت این خرید نمی دهند.

آن گونه که رئیس هیات مدیره سندیکای صنعت برق گفته، مشکلات این صنعت چنان مزمن شده اند که معلوم نیست کارگران و شرکت های فعال در این حوزه بتوانند تا تحقق وعده دولت دوام بیاورند.

چهارم بهمن، سالروز کشتار کارگران معدن خاتون آباد (شهرک بابک)

کشتار کارگران شهرک بابک که با دستاویز خالی برای دفاع از حقوقشان توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسیدند، یک جنایت محسوب می شود و عاملان آن باید محاکمه شوند.

یاد و خاطره کارگران مظلوم معدن خاتون آباد گرامی باد

برخی از مهمترین حرکت های اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۸۸

سالروز اعتراض با شکوه و به یاد ماندنی کارگران شرکت واحد در حالی که دو نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا در زندان به سر می برند گرامی می دارد و همچنان در راه رسیدن به حقوق کارگران می کوشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۸ بهمن ۱۳۸۴

چهار تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه آزاد شده اند.

به گزارش روز چهارشنبه ۲۱ بهمن



هرانا، قربان علیپور، محمد حیدری، فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی حدود چهار ماه پیش به اتهامات امنیتی بازداشت و به زندان دزفول منتقل شده بودند. به گفته فدراسیون جهانی کارگران صنایع کشاورزی، مواد غذایی و رستوران (آی یو اف)، قربان علیپور و محمد حیدری، پس از گذراندن بخش بزرگی از دوره محکومیت خود و فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی به دلیل نداشتن پرونده کیفری به طور مشروط آزاد شده اند.

بر اساس احکام دادگاه تجدید نظر استان خوزستان، آقایان نیکوفرد، علیپور و احمدی به تحمل شش ماه حبس تعزیری و شش ماه حبس تعلیقی، و آقای حیدری به چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی محکوم شده بودند.

فدراسیون جهانی کارگران صنایع کشاورزی، مواد غذایی و رستوران همچنین از ادامه بازداشت علی نجاتی، رهبر سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه انتقاد کرد

بقیه از صفحه ۶ کارخانه به مراتب کمتر از ضرر یک واگذاری نابجا و بی نتیجه است که منجر به افزایش مشکلات آن واحد تولیدی می گردد. وی اشاره کرد، البته اخیرا به بهانه تشویش اذهان کارگران و پرسنل، عده ای شایعه کرده اند که واگذاری شرکت صنایع از طریق مزایده صورت گرفته است و هیچگونه ارتباطی به اصل ۴۴ و خصوصی سازی ندارد. اما این در حالی است که شورای اسلامی کار شرکت صنایع جهت تسویر افکار عمومی و نیز اثبات نادرست بودن موضوع مذکور، با استعلام از مراجع قانونی و تهیه اسناد مربوطه مبنی بر خصوصی سازی شرکت در چارچوب اصل ۴۴، موضوع را کاملا رد می نماید.

نوروزی ادامه داد: اعتراضات ۱۰ روز اخیر کارگران شرکت صنایع به واسطه عملکرد ضعیف خریداران شرکت است به گونه ای که کارگران هیچگونه اعتمادی به طرحها و تعهدات مدیران شرکت صنایع نداشته و ندارند.

رئیس شورای اسلامی کار شرکت صنایع متفق القول با کارگران شرکت با اشاره به نامه استاندار مرکزی خطاب به رئیس جمهور، مبنی بر ارجاع شرکت به دولت گفت: تنها خواسته کارگران از مسئولان ارشد استان این است که نامه ارسال شده از سوی استانداری به دفتر ریاست جمهوری مورد پیگیری قرار گرفته تا با اعلام نتیجه نهایی، تکلیف کارگران بیکار و بلا تکلیف شرکت مشخص گردد.

چهارمین سالروز اعتراض

کارگران شرکت واحد گرامی

باد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که برای احقاق حقوق کارگران بعد از وقفه ای طولانی در سال ۱۳۸۴ احیا شد با تلاشها و پیگیریهای مستمر که با بی اعتنائی مسئولان مواجه گردید، با خواست کارگران شرکت واحد اعتراض خود را در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۸۴ اعلام کرد، اعتراض صنفی کارگران با سرکوب بی سابقه که منجر به دستگیری و بی کاری تعداد کثیری از رانندگان زحمتکش شرکت واحد بود روبه رو گردید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه چهارمین

جنبش رنگین کمان

بیشماران از تجربه

سالروز قیام ۲۲ بهمن

چه آموخت؟

لیلا جدیدی

چهار روز از ۲۲ بهمن، سالروز قیام مردم ایران علیه دیکتاتوری نظام شاهنشاهی می گذرد. در حالیکه سرکوب حکومتی هنوز ادامه دارد، پرسشهای گوناگونی پیرامون شکست و پیروزی حکومت و یا جنبش علیه آن مطرح می شود. برای پاسخ منسجم به این پرسشها، ۳ سوال کلی را می توان مطرح کرد.

نخستین پرسش را از سازمان عفو بین الملل می شود وام گرفت که در واکنش به گزارش جمهوری اسلامی به سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می پرسد: "مسوولان حکومت ایران آیا واقعا از واقعیت بی خبرند یا نمی خواهند آنرا بپذیرند؟"

پرسش دوم این است که ساختار، فرم و آرایش جنگی جمهوری اسلامی در این روز چگونه بود؟ و سوال آخر اینکه چرا جمهوری اسلامی با تمام توان به جنگ با مردم شتافت؟

پاسخ به سوال عفو بین الملل روشن است. حکومت خامنه ای در ۲۲ بهمن بار دیگر نشان داد که واقعیت سهمگین بحران را درک کرده و تا مغز استخوان آن را لمس می کند. یک نگاه مقایسه ای از برگزاری ۲۲ بهمن امسال با سالهای پیش گواهی بر این ادعاست.

این نقطه عزیمت، پاسخ سووال دوم را هم در ادامه خود عرضه می کند. از همین روست که رژیم تمامی توان خود در تهران را که همانا نیروهای سرکوبگر نظامی - انتظامی و لباس شخصی هستند، در سطح شهر برای رویارویی با مردم بسیج کرد و همزمان به علت نداشتن پشتوانه اجتماعی ناچار شد با پرداخت پول و سرو شام و نهار به عده ای مردم نیازمند، آنها را با کیلومترها صفی از اتوبوس به میدان آزادی بکشاند و در عین حال از هر گونه امکان ورود صف مردم معترض به میدان جلوگیری کند.

از این رو، آنچه که ما در سطح شهر و در درگیریهای بی باکانه مردم با مزدوران رژیم دیدیم، تنها میدان اصلی رویارویی دو نیرو نبود. فرم و آرایشی که رژیم با آوردن مسافران اجباری در میدان آزادی و استقرار سرکوبگران در سطح شهر به خود گرفته بود نشان داد که عمیقا متوجه شده است کسی را پشت سر ندارد. سوال آخر را همین نکته جواب می دهد.

ما در روز ۲۲ بهمن آموختیم که به نیروی رنگین کمان بیشماران که حکومت خامنه ای را به تنگنا کشانده است، عمیقا باور داشته باشیم و همزمان باید در امر تداوم جنبش، همبستگی و اتحاد بکوشیم، ابتکارات جمعی، فردی، گروهی و سازمانی خود را برای سردرگمی بیشتر رژیم و کیش و مات کردن آن به کار گیریم.

فراسوی خبر... ۲۶ بهمن

جنبش اجتماعی و آموختن از یک تجربه

جعفر پویه

آن چه در روز ۲۲ بهمن گذشت باعث دامن زدن به بحثها و اظهار نظرهای زیادی شد. در جناح حامیان و ناظران عملکرد جنبش اجتماعی به عنوان یک جریان عمل گرا، این روز بیش از آن که نقد گردد، مورد اعتراض واقع می شود. از سوی دیگر، آنانی که نمی خواهند سر به تن جنبش و فعالان آن باشد از موقعیت استفاده کرده و با شدت هر چه بیشتر تخم یاس و بد بینی می پاشند و سعی دارند تا نقادی درست از این اتفاق را به درگیری و جنگ داخلی بین عناصر تشکیل دهنده جنبش تبدیل کنند. آنچه بیش از همه در این میان چشمگیر است، برخوردهای عجولانه و ناپخته بعضی از کسانی است که توقع داشته و یا دارند که یک شبه راه صد ساله برونند. آنان به دلیل این که آن چه که آرزو می کردند اتفاق نیفتاده، ناراحت و عصبانی به هر دری می کوبند و با ناراحتی و عصبانیت سعی دارند تا مقصر یا مقصرانی بیابند و آنها به زیر شلاق اتهام و دشنامهای خود بگیرند. این برخوردها نه تنها مشکلی از جنبش حل نخواهد کرد بلکه، باعث خواهد شد تا بخشی از پروژه حکومتیها برای درگیری در داخل جنبش عملی شود. بنابراین بیش از اینکه واکنشهای تند و یا برخوردهای هیستریک و عصبانی را که عملی عجولانه به دلیل انتظارات بیش از اندازه است دامن بزنیم، نیاز داریم با نقد درست، عملکرد این روز را بررسی کرده ضعفهای آن را زیر ذره بین بگذاریم تا در آینده بتوانیم پر قدرت تر عمل کنیم و نارساییهای جنبش را نیز ترمیم کنیم. این اولین باری نیست که جنبش در مسیر حرکت به جلو با مانع برخورد می کند و به دلیل فضای پر جنب و جوش آن و نظارت همگانی مورد اعتراض واقع می گردد. اما نوع اتفاقی که در ۲۲ بهمن افتاد از آن دست است که باید تامل بیشتری بر آن کرد و با دقت، نواقص و نارساییها را دید. آن گاه می شود کمبودها را بهتر دید و برای رفع آن چاره اندیشی کرد.

من در مقاله "جنبش اجتماعی، کنش و واکنشها" پیرامون بالا بردن عکس خمینی در اعتراضات نوشتیم "بدون برنامه بودن، نداشتن یک استراتژی مشخص و عدم وجود یک پلانفرم یا توافق جمعی ... باعث به وجود آمدن این گونه حوادث می شود." اگر شبکه های اجتماعی باعث گردیده تا سازماندهی غیر متمرکز شکل

گیرد و ضربه پذیری آن را به حداقل برساند اما به دلیل جوان بودن این نوع سازماندهی، کمبودهای اساسی ای در آن احساس می شود که نمی توان از آن به آسانی عبور کرد. یکی از این کمبودها نبود برنامه مدون و توافق شده ای است که همه اقشار اجتماعی را دربر گیرد و آنان را به عنوان بخشی از جنبش اجتماعی تعریف کند. این کمبود باعث خواهد شد تا جنبش در محدوده عنصری که در شبکه ارتباطی آن درگیر هستند خلاصه شود و از گسترش به سوی دیگر اقشار اجتماعی ناتوان بماند. همچنین این نقیصه باعث واکنشی شدن جنبش می گردد و به دلیل بی برنامهگی مجبور است تا در مناسبتهای حکومتی وارد عمل شده، خود را به ضد جریان حاضر در خیابان تبدیل کند بدون اینکه خود برنامه ریز و ترتیب دهنده مناسبتی باشد که به خودش مربوط است و هویت آنرا بیان می کند. این نقص آشکار باعث شده تا کلیه نیروهایی که با هزینه های زیاد، چه سازمان یافته حکومتی و چه مردم عادی وارد میدان می شوند، به عنوان عناصر و نیروهای دشمن تعریف شده و یک رویارویی تمام عیار شکل بگیرد. آنوقت باید به این پرسش پاسخ داد که تکلیف آن بخش از مردمی که با فریب و حيله یا به دلیل زوری که نیروهای سرکوبگر بسیج و سیاسی عقیدتیه در محل کار دارند و یا کسانی که به هزار و یک دلیل نا آگاهانه در این مناسبتها به عنوان سیاهی لشکر وارد شده اند، چیست؟ اینجا مشکل بیشتر خود را نشان می دهد و باعث می گردد تا جنبش بیش از این که خود را به عنوان آلترناتیو و یا درخواست کننده مطرح کند، تبدیل به نیروی فشاری می شود که علیه مناسبتهای حکومتی وارد عمل شده و آن را مال خود کند. شبکه های اجتماعی که بیشتر حاصل ارتباطات مدرن و تکنولوژیک روز هستند، این عناصر را به هم وصل می کند و در همان محدوده کاربران این امکانات خلاصه می کند و اقشار اجتماعی ای که به این امکانات دسترسی ندارند، بیرون از دایره قرار

گیرند. به زبان دیگر، هنگامی که عناصر اصلی و پایه ای اجتماع با خواست و تشکل خود در جنبش حضور نداشته باشند، عملکردها بیش از اینکه دراز مدت و برنامه ریزی شده باشد، ایدایی، کوتاه مدت و واکنشی است. برنامه نمی تواند از آسمان نازل شود.

برنامه حاصل نشست و توافق برکزیدگان و نمایندگان اقشار و طبقات اجتماعی در حیطه یک موضوع خاص است. برنامه حاصل توافق جمعی اقشار سازنده اجتماع است و خواستهای آنان را فرموله کرده به پرچم اعتراضات تبدیل می کند. این کمبودی است که همچنان در جنبش اجتماعی مردم وجود دارد و بدون بر طرف کردن آن نمی شود انتظار زیادی از عنصری از جان گذشته و صادقی داشت که برای خواسته های خود دل به دریا می زند و حتا از بذل جان خود نیز کوتاهی نمی کند.

من همانجا نوشتیم که "پلانفرم و برنامه قادر است از حرکات واکنشی ... جلوگیری کند" زیرا برنامه حاصل توافق جمعی است که بنابر موقعیت خود حداقلی از تشکل را دارد و یا به سوی آن میل می کند. برنامه می تواند عناصر تشکیل دهند هر بخش از جامعه را پیرامون خود گرد آورده به سازماندهی آن بپردازد. به زبان دیگر، برنامه محور تجمع هر بخش بر گرد آن است. اگر چنین ضرورتی امروز مشخص می شود و جای خالی آن بر همگان واضح است، پس باید به سوی آن میل کرد و برای رسیدن به چنین توافقی گامهایی عملی برداشت. بگذارید از منظری دیگر به موضوع نگاه کنیم. آنچه این روزها مشخص است این ست که اقشار اجتماعی بدون اینکه با یکدیگر اصطکاک یا درگیری و رقابتی داشته باشند، به صورت عملی در تظاهرات خیابانی حضور دارند. این حضور انفرادی تنها بر اساس علائق و سلاقی و از زاویه آزادیخواهی و تفرز از استبداد و بی حقوقی قابل دیدن است. این حضور باید به سویی میل کند که توافق نانوشته ای که در عمل جاری است را به ماده تبدیل کرده و به سویی برود تا به صورتی قابل تشخیص این جریانات گردد. این و مجموعی بزرگ تر را سازمان دهند. طرحهایی همچون مبارزات جبهه ای و یا سازمان دادن یک جبهه وسیع از کلیه عناصر درگیر در مبارزات این روزها ضرورتی انکار ناپذیر پیدا است. این جبهه نیازمند حداقلهایی است که اکنون به آنها نیاز داریم. این حداقلها همان برنامه عملی یا خواستهای اقشار مختلف است که فرموله شده اند. این خواستها هویت هر بخش از جمعهای حاضر در میدان را بیان می کند. نماینده این بخشها و همچنین سازمانها و یا نهادهای حداقلی موجود با برافراشتن پرچم

خویش می توانند فراخوان دهند و هر تعداد که می تواند حول برنامه خویش گرد آورند. این گردهم آییها می تواند سنگ بنای ساخت تشکل بزرگتری شود که به صورت وسیع به بخشهای مردم در موقعیتهای متفاوت فراخوان داده و برای بیان خواستهایی مشخص وارد میدان کند.

همزمان، اقشاری که در مبارزات این روزها فعالانه عمل می کنند بنابر ضرورت خود را در نهادهایی متفاوت سازمان دهند. کمیته های محلات متشکل از جوانان هر محله می تواند نهادهایی اجتماعی را سازمان دهد تا در مواقعی که آنها به عملیات و یا برگزاری اعتراضات خیابانی وارد می شوند، بتوانند به صورت جمعی حرکت کنند. این جمعهایی که یکدیگر را می شناسند و منبای آن نیز در هر کوی و محله قرار دارد، می تواند آنان را در برابر حملات گله های مزدور حفاظت کند. به غیر از این، آنها این توانایی را پیدا می کنند تا بعد از حرکت اعتراضی تجربه های خود را مبادله کرده برای ادامه راه، برنامه ریزی های بهتری انجام دهند. اینگونه برنامه های اجرایی از دل مردم می جوشد و بهترین آنها می تواند به بالاترین مرحله رفته تبدیل به شیوه عملی شود که از داخل جامعه برخاسته است.

دانشجویان و دانش آموزان، همچنین اساتید دانشگاهها و معلمان مدارس غیر از اینکه باید فکری به حال بی تشکلی خویش بنمایند، همچنین باید کمکی باشند برای دانشجویان و دانش آموزانی که با آنها همراه بوده و می توانند به عنوان نیروهای جوان و پر انرژی کمک شایانی به اجرایی شدن نظریات و برنامه های توافق شده در جمعهای خویش باشند.

در مقابل رژیم می که از سازماندهی پر قدرتی برخوردار است، جمعهای پراکنده نمی تواند بازدهی چندانی داشته باشد. رژیم نیروهای خود را هر روزه تجدید سازمان می کند و تلاش دارد تا از حداقل آنها حداکثر استفاده را ببرد. در مقابل، جنبش مردم نیز باید نقیصه بی سازمانی خود را جبران کرده و در مقابل نیروهای سازمان یافته رژیم پر قدرت ظاهر شود. این قدرت وقتی کارساز تر است که از سازماندهی حداقلی برخوردار باشد. متمرکز کردن توان اجرایی در تشکلهای سازماندهی شده و حرکات هماهنگ و از پیش برنامه ریزی شده دیگر توان نیروها را تحلیل نخواهد برد و آنها را در یک برنامه از قبل فراخوان داده شده فشل نخواهد کرد. این یکی از نواقص اصلی جنبش در روز ۲۲ بهمن بود. در حالیکه عناصر جنبش پر تعداد در میدان حضور داشتند، به علت عدم شناخت از یکدیگر و ناتوانی در یافتن و در کنار یکدیگر قرار گرفتن، در عمل در

بقیه در صفحه ۹

جنبش اجتماعی و آموختن از یک تجربه

بقیه از صفحه ۸

میدان نیروی خود را هدر دادند و باعث شد تا بسیاری که خود را با زحمت زیاد به نقاط از قبل در نظر گرفته شده رسانده بودند، نتوانند آنچه‌آنکه در نظر داشتند دست به عمل بزنند. همه اینها بدون در نظر گرفتن نیروهای سرکوب و عناصر اطلاعاتی و سازمانهای سرکوبی است که در میدان حاضر بودند تا به محض کوچکترین حرکتی با شدت هرچه بیشتر مردم را سرکوب کنند.

این ناتوانی در اجرایی کردن برنامه را باید با چشم باز دید. باید صادقانه با آن برخورد کرد و قبل از اینکه دنبال مقصر گشت و گناه را به گردن این و آن انداخت، به نقد خود بپردازیم و کمی و کسریها را دیده و برای جبران آن دست به عمل بزنیم.

از سوی دیگر، بسیاری از کسانی که در روز ۲۲ بهمن در نقاط مختلف حضور داشتند، حداقل کاری که کردند برخوردهای تند و پرخاشجویانه به همراهان خود است و آنها را متهم به عدم همراهی و یا جا گذاشتن می‌کنند. اما کمتر کسی از آنها یک گزارش جامع، مفصل و معقول از موقعیتی که در آن قرار داشته نوشته و منتشر کرده است. آنها باید بدانند که تجربه این روز برای همه مهم است. با بررسی تجربه آنانی که در موقعیتهای مختلف قرار داشتند، می‌شود کوهی از اطلاعات را در اختیار همگان قرار داد. با جمع آوری این اطلاعات و تحلیل آن می‌شود به نواقص و کمبودها بیشتر پرداخت و برای جبران آن دست به عمل زد. در صورت انتقال تجربیات است که می‌شود به این مهم رسید. حال اگر افراد دلسرد شوند و یا با موضوع متغیانه برخورد کنند، دیگران را از زحمت کار خود بی بهره کرده و کمکی برای رفع نواقص کمبودها همین گزارشات مردمی جبران کرده و یا در جاهای دیگر منتشر می‌شود. بدون یک اشتراک همگانی در برخورد درست با موضوع نباید توقع رفع کمبودها و نواقص را داشت. دموکراسی به معنی دخالت همگانی ما در همه عرصه‌های مربوط به عموم است. اگر به دنبال دموکراسی هستیم، آن را باید از هم اکنون در عمل و رفتار خود اجرایی کنیم. دخالت در امور همگانی به معنی کار به دست بودن یا مسوول اجرایی شدن نیست. این دخالتگری به معنای دخالت در سرنوشت خود و جامعه خود معنی می‌دهد و آنهم چیزی نیست جز

اشتراک عملی ما در همه عرصه‌ها و یکی از آنها در لحظه کنونی رفع کمبود جنبشی است که سرنوشت خود و کشورمان در آن خلاصه شده است. دخالتگری و حضور در خیابانها و بیان نظرها در اعتراضات یک وجه آن و بحث و گفتگو و نظر دادن و پردازش اتفاقات و آکسیونهای اجرا شده توسط همگان وجه دیگر آن است. این پردازش با بحث منطقی و انتقال درست و صادقانه تجربیات میدانی می‌تواند ادامه اشتراک ما در جنبش از زاویه دیگر معنا دهد.



Photo by Farhad Rajabali

جنبش بتواند نظر مثبت آنها را به خود جلب کند. اما چگونگی آن نیز از یک طرف تبلیغ در بین اقشار پایینی و بردن جنبش بین طبقات فرودست است. این امر نیز ممکن نیست مگر این که جنبش منافع و خواسته‌های آنان را به برنامه و مطالبات خود وارد کند و با همسویی با آنان، از یک طرف مدافع حقوق و خواسته‌های شان گردد و از سوی دیگر، آنها را به عنوان بخشی از جنبش تعریف کرده و وارد میدان کند. جلب حمایت اقشار فرودست ظرفتهای دیگری دارد که تنها در عرصه عمل بر ما روشن خواهد بود. بدون جهت‌گیری به این طرف و وارد گفتگو با آنها شدن نمی‌شود برنامه و راههای از قبل تعریف شده‌ای را پیشنهاد داد. اما از همان لحظات اولیه برخورد دو طرف و در جریان مباحث و عمل اجتماعی، راهکارهایی مشخص می‌شود که می‌تواند به عنوان نماد و یا موضوعیت و دستاورد به بالاترین سطوح جنبش کنش‌انده شده و بر پرچم آن نقش گردد. تکرار این موضوع آنقدر مهم است که دوباره بگوییم عدم حضور سازمان یافته اقشار فرودست و مزدبگیران یکی از کمبودهای مهم و جدی جنبش مردم ایران است. بدون رفع این نقیصه مشکل بتوان گفت که جنبش به منافع عالی خود دست می‌یابد. پس باید به

سوی آنها میل کرد، برای جلب نظر موافق مزدبگیران و حمایت عملی آنان، باید دست به اقدام عملی زد. این بخش از جامعه ما سابقه طولانی در مبارزات صنفی و سیاسی دارند، آنها سابقه کار تشکیلاتی و سازمانی و تجربه‌های گرانقدری دارند. اگر امروز سازمانهای علنی و مشخص خود را به دلیل سرکوب و استبداد حاکم ندارند اما نطفه این سازمانها و تشکیلات در دل این اقشار وجود دارد و می‌تواند به محض پیدا کردن یک شرایط مساعد، به سرعت تجدید سازمان شده و وارد میدان عمل گردد. غیر از آن، قدرت تاثیر گذار این اقشار در صورت وارد شدن به عمل آنچنان است که بدون برو برگرد می‌توان گفت که ستون اصلی جنبش را تشکیل خواهند داد. یادمان باشد به همین علت بسیاری نگران موقعیت خود هستند و سعی می‌کنند به هزار بهانه از وارد شدن متشکل اقشار فرودست به خصوص کارگران در تحولات روز جلوگیری کنند. این ترس از موقعیت خود، قدرت تاثیر گذار یک بخش وسیع جامعه یعنی، کارگران و مزدبگیران را از فعل و انفعالات حذف می‌کند تا منافع خود را پاس بدارد. پس بدون این که به تبلیغات زهر آگین بسیاری - که آگاهانه نیز است - گوش کنیم باید همه توان قدرت جامعه خود را به میدان رویارویی بکشانیم تا صاحبان قدرتی که همه امکانات اقتصادی و سیاسی و به ویژه قانونی را به کار می‌گیرند تا جنبش مردم را سرکوب کنند را وادار به عقب نشینی و ترک میدان کنیم. این گونه می‌شود گفت جنبش اجتماعی راه چاره را یافته برای جبران کمبود خود اقدام کرده است. هرچند کمی از وقت آن را بگیرد اما قدرت اش را آن چنان افزایش می‌دهد که هیچ مستبد و خودکامه‌ای جرات قد علم کردن در مقابل آن را نداشته باشد.

عمل کنشگرانه جنبش در ۲۲ بهمن اگر تجربه‌ای را که به دست آورده درست برآورد کند و برای برطرف کردن نقایص آن اقدام نماید، می‌توان گفت نه تنها از اتفاق این روز سربلند بیرون آمده بلکه، توان و موقعیت خود را به محک عمل برآورد کرده و آنرا در پهنه اجتماع آزمایش کرده است. این برآورد درست و اقدام عملی، ۲۲ بهمن را برای همیشه از آن جنبش کرده و به عنوان یک روز تاریخی و درس آموز در تاریخ مبارزاتی ثبت خواهد کرد.

جهان در آینه مرور

تیوری "بیشماران" و مباحث گرد آن (۴)

لیلا جدیدی

تیوری "بیشماران"

"دیوید کمفیلد"، استاد دانشگاه "مانیتوبا" که دارای دکترای در تفکر اجتماعی و سیاسی است، نقد مشروحی بر تیوری نگری و هارت نوشته است. وی دارای تحقیقاتی در باره اتحادیه های کارگری در کانادا، جهانی سازی، تیوری و عمل طبقه کارگر است و از جمله آثار منتشر شده او "جنبش طبقه کارگر در کانادا"، "مالتیپود و کانگرو، نقدی بر تیوری کار غیرمادی نگری و هارگ"، "نو - لیبرالیسم و مقاومت طبقه کارگر" و بسیاری نوشته های دیگر در همین زمینه است. او در مبحثی تحت عنوان "امپراتوری یا امپریالیسم می نویسد: هارت و نگری معتقدند که آمریکا در عصر امپراتوری ناچار است شبکه های بسازد تا با شورشها مقابله کند. در "مالتیپود" هم شبکه هایی به وجود می آید که به هم وصل می شوند. این شبکه ها تا قرن ۲۱ تکاملی متری داشته اند و خواهان دمکراسی و حق حاکمیت بودند که به شبکه جهانی جنبش عدالتخواهانه تبدیل شدند. این شبکه ها در حال رشد و گسترش هستند زیرا کاراکتر "نیروی کار غیر مادی" چنین است. "بیشماران" نیروی کار غیر مادی هستند، بدین معنی که کار آنها محصولی غیر مادی دارد مانند دانش، آگاهی، احساسات، تاثیرات و روابط اجتماعی. نگری و هارت تاکید می کنند که اکثر کارگران در جهان نیروی کار غیر مادی نیستند اما معتقدند که نیروی کار غیر مادی از نظر کیفی، بخش هژمونیک است و هر چه بیشتر و بیشتر مهر خود را بر تحولات می زند.

نگری در این باره گفته است: "اینترنت فقط بخش آشکار کوه یخی است ولی تقریباً همه تولید در حال حاضر از این طریق انجام می شود، از طریق شبکه های همکاری و مبادله. تولید نمی تواند هم بر پایه گردش اطلاعات و هم حق محدود ساختن دسترسی به اطلاعات باشد. همکاری به نظر من یعنی زندگی. امروزه تولید و باز تولید، کار و زندگی به شدت به هم آمیخته اند و به یکدیگر خوراک می دهند. ثروت مادی دنیا از طریق اشکال همکاری و تعاون افزایش می یابد و نه فقط کار فکری بلکه، قراردادهای، روابط، مبادلات و علایق نیز مولد شده اند. تولید، خود زندگی است. هر چیزی که زندگی می کند و زندگی می سازد، بخشی از نظام تولید

است. در نتیجه، اشکال مبادله پولی، تقاضا و دفاع از مالکیت بسیار پارازیتی و مفت خورانه شده است. سی سال پیش می شد آنها را به نام بهره کشی مردود دانست ولی امروزه تغییر در دیدمان یا پارادیم تولید، نیازمند نابودی آنهاست. این یک پارادوکس یا ناسازه دوست داشتنی است. سرمایه داری وارد مرحله جدیدی شده است و این خود سرمایه است که نوبدهایی که ما در دهه ۷۰ می دادیم و قابل دفاع نبود را عملی خواهد کرد. ممکن است با آن نگاه شکست خورده باشیم ولی این مسخ سرمایه، نتیجه مبارزات ما است."

چه کسی ارزش اضافه را تولید می کند؟

آنتونیو نگری معتقد است که ارزش اضافی نه تنها در کارخانه ها تولید می شود بلکه، در پروسه تولید ارزش، کار فکری، کار شبکه ای، کار ابتکاری، کار عملی و غیره نیز وجود دارد. وی تاکید می کند: "آنچه که مارکس در باره ارزش اضافی کار در کارخانه ها گفته به قوت خود باقی است و نگاه متمرکز تری روی این مبحث است. با این حال باید به عامل دیگری نیز توجه داشت و آن اینکه طبقه کارگر صنعتی هیچوقت ارزش اضافی را به شکل یک "توده" تولید نکرده است. ارزش همواره با این یا آن نوع دیگر کار که در آن دخالت داشته به وجود آمده است. با این توصیف خوب است دقت کنیم که موضوع مورد نظر ما این است که به خاطر جامعه و به خاطر تمام کسانی که زحمت می کشند، به این مساله اهمیت بدهیم. با این نوع ارج گذاشتن به نیروی کار می توانیم آلترناتیوی برای زندگی و جامعه به وجود بیاوریم."

چگونه ریشه ارزش را پیدا کنیم؟

آنچه که نگری بر آن بیشتر تاکید می کند پیدا کردن ریشه اصلی ارزش است. او از ایجاد یک ائتلاف طبقاتی صحبت نمی کند. او به همین صورت از پیدا کردن واسطه هایی که طبقه کارگر را به هم وصل کند که آن را "جنبش جنبشها" می نامد نیز حرف نمی زند بلکه، از پیدا کردن ریشه ارزش و اینکه چه کسی آنرا تولید می کند سخن می گوید.

نگری با حرکت از این نقطه که از عصر صنعتی شدن تغییراتی در نحوه کار کارگران ایجاد شده، معتقد است

که نمی توان یک تعریف ثابت نیز از طبقه کارگر داشت. او در این باره می گوید: "از سال ۶۸ و ظهور لیبرالیسم این تغییر آشکار تر شد و دیدیم که دیگر مرکز تولید در کارخانه نیست بلکه، اینک تمامی جامعه به کار گرفته می شود. تمامی کسانی که کار می کنند استثمار می شوند، در بخشهای خدماتی، صنعتی، کشاورزی و حتی فرهنگی. بیشتر ما می گفتیم که ارزش اضافی از فروش نیروی کار کارگر حاصل می شود و حال می بینیم که اینطور نیست. ما رابطه هایی بین کار کارگران صنعتی و برای نمونه، کار کشاورزی و کار زنان و غیره پیدا می کنیم، زنان که خود نیروی کار را تولید می کنند و کشاورزان که غذای مناسب را تولید می کنند. در پروسه تولید، این نوع رابطه ها نادیده گرفته شده است." نگری معتقد است که "بیشماران" (مالتیپود) یک تفکر طبقاتی است و همزمان تفکری سیاسی. "بیشماران" به طبقه کارگر به صورت یک تشکل ساده نگاه نمی کند.

چه کسی ارزش اضافه را می سازد؟

"پیتر دی ناردو"، منتقد مارکسیست ایتالیایی در نوشته ای با عنوان "امپراتوری وجود ندارد" در پاسخ به این سوال می گوید: "به گفته نگری "قانون ارزش" در دوران کنونی موضوعیت خود را از دست داده. از این رو من معتقدم که ما نباید بحث پیرامون موضوعاتی از این دست را به عنوان نوعی بحث آکادمیک تلقی کنیم چرا که در لحظه کنونی به ویژه در زمانی که کارگران با تظاهرات و اعتصابات خود شروع به قدرت نمایی مجدد در سراسر جهان کرده اند و در برخی موارد نظیر آرژانتین، عامل چرخشهای واقعا انقلابی بوده اند، نقد چنین تفکرانی به طور روز افزون اهمیت و ضرورت می یابد. از سوی دیگر، فقدان عامل ذهنی ای که توانایی رهبری طبقه کارگر را در ایتالیا داشته باشد، نتیجه ای جز شکست جنبش جاری در پی نخواهد داشت، همانگونه که تحولات دهه های ۶۰ و ۷۰ نیز با ناکامی مواجه شدند.

در نتیجه، بر خود با این تفکرات به یکی از ضروری ترین وظایف ما به عنوان فعالین جنبشی بدل گشته که کاراکتر انقلابی خود را به نحو بارزی به نمایش در آورده و عزم خود در جستجوی یک مدل رادیکال به منظور برقراری نظم اجتماعی نوین را به اطلاع طبقات حاکمه رسانده است. هر چه در کتاب "امپراتوری" بیشتر جلو می رویم، با ابهام بیشتری

پیرامون معنای یک اصطلاح کلیدی این کتاب مواجه می شویم: "بیشماران". این ابهام به این خاطر است که نویسندگان به گونه شگفت انگیزی از ارایه یک توضیح روشن پیرامون آنچه از این واژه برداشت می کنند، سر باز می زنند. در هرکجای کتاب که از این واژه استفاده می شود، فضای مه آلود و ابهام بر انگیزی کل بحث را در بر می گیرد. نگری حتی در مباحثات حضوری نیز توضیح بیشتری در مورد خصوصیات "بیشماران" ارایه نمی دهد. به هر صورت نویسندگان تا کنون با زرنگی تمام از پاسخ دادن به این سوال که "بیشماران" چیست؟ طفره رفته اند.

منظور من این نیست که نویسندگان از صحت نظریه خود کاملاً مطمئن نیستند، تنها قصد دارم پیرامون دقیق نبودن و غیر علمی بودن این اصطلاح توضیحاتی ارایه کنم.

مارکس مفهوم "طبقه کارگر" را در آثار مختلفش با نهایت شفافیت تشریح نموده است که هیچ وجه اشتراکی با "بیشماران" است که در بسیاری از صفحات کتاب نگری - هارت به آن اشاره می شود ندارد. به منظور آشنایی بیشتر با برداشت نویسندگان از مفهوم "بیشماران"، خالی از لطف نیست که به مصاحبه ای که نگری پس از چاپ کتابش در ایتالیا انجام داده، اشاره ای داشته باشم. در این مصاحبه نگری بار دیگر به شکلی مهم تعریفی از "بیشماران" ارایه می دهد: "... "بیشماران" یک مفهوم طبقاتی است ... نوع جدیدی از طبقه است". او همچنین به این مساله اشاره می کند که "طبقه کارگر" حداقل در معنای کلاسیک و فوردی کلمه، اکنون اقلیتی از جامعه را تشکیل می دهد.

اگر چه نگری معتقد است که نیروی کار کمتر از گذشته استثمار نمی شود اما بلافاصله این مطلب را هم اضافه می کند که در جامعه مدرن این اطلاعات است که سرمایه را می آفریند: "مساله مهم باز تولید زندگی است و این مهمتر از تولید سنتی کالایی است ... سیستم به این علت دچار دگرگونی شده که شیوه استثمار تغییر پیدا کرده است. مبارزات کارگری در دوران فوردی سیستم را وادار به تغییر و باز آفرینی خود نمود. امروزه کار ساده تفاوتی با کار پیچیده ندارد چرا که همانطور که مارکس پیش بینی کرده، به اطلاعات بدل گشته است ..."

در سطرهای بالا نگری از یک طرف می کوشد مفهوم "بیشماران" را به مفهوم "طبقه کارگر" مرتبط سازد و از طرف دیگر، بخشی از اساسی ترین اندیشه های مارکس را مورد تحریف قرار می دهد. تمایل شدید او به فاصله گرفتن از فاز تولید که به اعتقاد ما امکان تغییر انقلابی جامعه را فراهم می سازد، در این سطرها آشکار می شود. او به اشکال گوناگون در پی جستجوی شیوه ای برای انتقال به گونه دیگری از نظام سرمایه داری می باشد. بروز این تمایلات را نباید اتفاقی پنداشت بلکه،

بقیه در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۰

در پس آن باید انگیزه های مشخص سیاسی را جستجو نمود.

نگری به خوبی از این واقعیت آگاه است که تنها طبقه ای که توانایی پایان بخشیدن به پروسه تولید سرمایه داری و بنا نهادن اقتصاد سوسیالیستی را دارا می باشد، طبقه کارگر است. اما با حذف اهمیت پروسه تولید، این طبقه نیز خود به خود اهمیت خود را از دست می دهد. از سوی دیگر با تاکید بر پروسه باز تولید و مصرف، جایگاه کلیدی طبقه کارگر در امر انقلاب به سایر اقشار و طبقات اجتماعی که اهمیت کمتری به نسبت آن دارند و یا در اساس در نقطه مقابل آن هستند، تعمیم می یابد. برای مثال در ذیل عنوان "بیشماران" می توان بخشهایی از خرده بورژوازی، لایه هایی از پروتلاریا و در برخی موارد حتی بخشهایی از بازرگانی بزرگ را دید که قرار است همه با هم در قالب این توده حجیم متحد گردند.

فرض کنیم کسی که خود را مارکسیست می داند، در نفس حیاتی بودن امر تصرف دولتی توسط کارگران شک کند اما آیا او می تواند قایل به اشتراک منافع طبقات مختلف اجتماعی باشد؟ ما به خوبی می دانیم که هیچ اشتراک منافی بین کارگران و سرمایه داران وجود ندارد.

به طور خلاصه نگری در این بخش مرتکب دو اشتباه می شود: ابتدا اینکه اهمیت طبقه کارگر صنعتی را زیر سوال می برد و دیگر آنکه با استناد به مارکس اظهار می کند که قانون ارزش اضافه اهمیت خود را از دست داده است.

نخست و در باره اشتباه اول نگری، طبق آخرین آمار OECD، طبقه کارگر صنعتی در جهان روند رو به رشدی داشته است و از سوی دیگر، هیچ مارکسیستی تفکر خود را به بخشی از کارگران محدود نمی کند. طبقه کارگر به هیچ وجه محدود به بخش صنعتی نیست اگرچه طبیعتاً این بخش از اهمیت کلیدی ای در آن برخوردار است.

اما استناد نگری به مارکس در مورد از موضوعیت افتادن قانون ارزش بسیار بحث بر انگیز است. اگر مارکس واقعا به امکان از بین رفتن قانون ارزش در داخل جامعه کاپیتالیستی اعتقاد داشت، آنگاه می بایست استعجاله درونی نظام سرمایه داری را نیز پیش بینی می کرد. اما این تفکری بود که مارکس بخش عمده ای از دوران حیاتش را وقف مبارزه با آن کرد.

در پایان ممکن است برای هر کسی این سوال پیش بیاید که آیا این روش مبارزه سازمان یافته و عینی "توده مردم" علیه "امپراطوری" همان انترناسیونالیسمی است که سالهاست توسط جنبش کارگری پاس داشته می شود؟ نگری در "امپراتوری" به روشنی به این سوال پاسخ می دهد: "نه!" او می گوید: "انترناسیونالیسم مطالبه یک فاعل جمعی پرچنب و جوش بود که بر اهمیت دولت - ملتها به عنوان مولفه های کلیدی استثمار کاپیتالیستی صحه می گذاشت. همبستگی انترناسیونالیستی به طور واقعی پروژه ای در جهت نابودی دولت - ملت و بنا گذاردن یک جامعه نوین جهانی بود. امروزه ما باید به روشنی تصدیق کنیم که عمر این نوع انترناسیونالیسم کارگری به سر آمده است ..."

پس از انکار انترناسیونالیسم به عنوان یک روش مدرن مبارزه برای کارگران، نگری با استفاده از تمثیل "موش حفار" که مارکس از آن برای توضیح برخی ادوار مبارزه طبقاتی در قرن ۱۹ استفاده می کند، خود را به مختصه بدتری گرفتار می سازد.

"موش حفار" که مارکس آن را مثال می زند، در دوران اوج گیری مبارزه طبقاتی به سطح می آید و دورانی که امواج مبارزه طبقاتی آرام تر می گردد، دوباره به زیر زمین بر می گردد تا با حفر مجاری ارتباطی جدید بتواند در ادوار آتی مبارزه طبقاتی مجدداً به سطح بیاید. به نظر نگری این "موش حفار" اکنون مرده است. او تمثیل "مار" یا حرکات پر پیچ و خمشی را جایگزین "موش حفار" می کند: "... شاید فقدان توانایی ارتباط گیری مبارزات مختلف و نبود مجاری ارتباطی را بیشتر بتوان نقطه قوت به حساب آورد تا نقطه ضعف. نقطه قوت به خاطر این که همه جنبشها فوراً بر سر خودشان خراب می شوند و نمی توانند تا رسیدن کمک خارجی و یا گسترشی که تاثیر گذاری آنها را تضمین کند، دوام آورند ..."

نگری عاقبت به این نتیجه می رسد که امیدی برای گسترش مبارزات مثلاً آرژانتین به جاهای دیگر وجود ندارد و همچنین هماهنگی مبارزات کارگری گوناگون در نقاط مختلف دنیا در این مقطع تاریخی امکان پذیر نیست. و باز در ارتباط با این مساله می گوید: "در عصر بسیار معروف ارتباطات که ما در آن به سر می بریم، مبارزات پر شمار توانایی ارتباط با یکدیگر را ندارند ... اما شواهد مبارزات کارگری در ایتالیا، آرژانتین، ونزوئلا، اروگوئه و ... در دوره اخیر خلاف حرفهای نگری را به اثبات می رساند. وقتی ما خیابانهایی را می بینیم که مملو از جمعیت تظاهرات کنندگان است و کارگران هنگامی که با احساس اشتراک منافع در سطح بین

المللی مبارزه می کنند، آگاهی طبقاتی به مراتب بیشتری پیدا می کنند، آنگاه درست نیست که ادعا کنیم که "چون دشمن فیزیکی وجود ندارد، تمرکز قدرت" از میان رفته است. اتحاد کارگران بیکار و شاغل در آرژانتین و اطلاع آنها از حوادث مشابه در ایتالیا و اسپانیا و سایر نقاط جهان نشان می دهد که بر خلاف ادعاهای نگری، کارگران در نقاط مختلف دنیا علیه دشمن مشترکی مبارزه می کنند.

نقد ایده نگری پیرامون "مبارزه جویی"

"دی ناردو" در نوشته یاد شده به دیدگاه نگری پیرامون "مبارزه جویی" برخورد می کند و می نویسد: "با وجود این که این قسمت از لحاظ استنتاجات پرایتیک احتمالاً مهمترین قسمت کتاب می باشد، نگری و هارت تنها پاراگراف آخر را به آن اختصاص داده اند. برای روشن ساختن اهمیت این پاراگراف ناچارم نقل قول بلندی از کتاب را در اینجا ذکر کنم. به نظر من سایر قسمتهای کتاب که در این جا مورد نقد قرار گرفتند، باوجود نادرستی حداقل از منطق خاص خود برخوردار بودند اما این گونه به نظر می رسد که بخش مربوط به "مبارزه جویی" در اساس فاقد هرگونه منطق درونی است:

"... در دوران پست مدرن به مثابه ساختار منحل کننده مردم، بهترین مبارز کسی است که می تواند بیانگر زندگی توده مردم باشد؛ عامل تولید زیستی - سیاسی و مقاومت در مقابل امپراتوری. وقتی ما از "مبارزه" صحبت می کنیم منظورمان فردی شبیه به ماموران افسرده و مراض گونه بین الملل سوم نیست، منظور ما کسی که از سر انضباط دست به عمل می زند و یا اینطور نشان می دهد که رفتار هایش را از یک الگوی ایده آل می گیرد نیست ... مبارزان امروزی حتی نمی توانند ادعای نمایندگی چیزی حتی نمایندگی نیازهای بنیادین انسان استثمار شده را داشته باشند. امروزه انقلابی باید شیوه دلخواه همیشگی اش را از نو کشف کند و آن نه فعالیتی نمایش گونه، که فعالیتی سازنده است ... مبارزین به شیوه ای خلاقانه در مقابل سلطه امپراتوری مقاومت می کنند. به دیگر سخن، مقاومت در حیطه زیستی - سیاسی به شکل بی واسطه با سرمایه گذاری ساختارمند و فرماسیون دستگاههای مشارکتی تولید و اجتماع ارتباط دارد ... داستان قدیمی ای وجود دارد که می تواند به ما در به تصویر کشیدن آینده مبارزه کمک کند: افسانه فرانسوی آسیسی مقدس ... به آثار او بنگرید، فرانسویس بر خلاف سرمایه داری در حال ظهور، هر گونه انضباط ابزاری را مردود می شمارد و

باوجود رنج و بدبختیهای انسان، طرح یک زندگی لذت بخش را ارابه می دهد که همه هستی و طبیعت را در موجودیتی واحد علیه خواست قدرت و فساد گرد می آورد. ما بار دیگر در عصر پست مدرن خود را در موقعیت مورد نظر فرانسویس می یابیم که علیه نکبت قدرت، لذت بودن را طرح می کند ..."

دیناردو در نقد این نظر می گوید: "نخست آن که توصیف زیستی - سیاسی نگری از سیاست مبنی بر این که قدرت برای اثر گذاری بر خود زندگی انتخاب شده، چیز جدیدی نیست. این همان مفهومی است که فوکو "قدرت زیستی" یا biopower می نامد که تولدش را به پایان قرن هجدهم منسوب می سازد. ولی در برابر قدرت زیستی مقاومت وجود دارد یعنی، زندگی قدرت خودش را یا قابلیت زندگی برای خلق، نوآوری، اختراع، تولید و موضوع بررسی کردن اثبات می کند. این همان زیستی - سیاسی است یعنی، مقاومت زندگی در برابر قدرت از درون قدرت. سپس آنکه به سختی می توان اندیشه ای را در سطرهای بالا یافت که کوچکترین ربطی به اندیشه های مارکس داشته باشد. در اندیشه نگری، "مبارزه" به یک انسان فردگرا مبدل می گردد که به شیوه ای "خلاقانه" با نظام سرمایه داری مقابله می کند و توان انقلابی اش را از ویژگیهای منحصر به فرد خود و ظرفیتش در احساس نزدیکی کردن با شرایط توده ها استخراج می کند و از همه مهمتر این که سنت فرانسوی آسیسی به عنوان الگوی چنین مبارزی معرفی می گردد! اما حقیقت این است که فعال چپ واقعی قادر است خود را در مقام پیشتاز طبقه قرار دهد و این مهم هم به واسطه جلب اعتماد و احترام کارگران هم از طریق ابراز عقاید و هم از طریق ارتباط با آگاهی سیاسی طبقه در یک لحظه ویژه معین و ارتقا آن در جهت به انجام رسانیدن مرحله گذار به دست می آید.

چنین کوشنده ای هیچگاه تنها بر مبنای فردیت خود مبارزه نمی کند اما می داند که چگونه از آن به منظور ارتباط با دیگران و قرار دادن آن در خدمت انقلاب بهره جوید. چنین فعال سیاسی ای نه تنها به هیچ وجه شباهتی با انسان افسرده ای که مرتب آیه یاس می خواند ندارد بلکه، نیروی پیش برنده کل طبقه است.

برای چنین فعالی بخشی از طبقه بودن به معنای ترس از رهبری آن نیست. بر عکس تمام لحظات زندگی او وقف پیشرفت کارگران در پیگیری خواسته هایش تا نیل به پیروزی نهایی می گردد. وظیفه کوشندگان رادیکال سازماندهی و هدایت کردن است بدون این که لحظه ای از طبقه شان جدا بیافتند.

من در این جا پیشنهاد خوبی برای رو به رو کردن تیوری نگری با واقعیت سخت دارم: اگر روزی "فعال" مورد نظر نگری در آغاز شیفت کاری سری به کارخانه یا کارگاهی بزند و کارگران را به "خوش گذرانی" و "سریچی" به منظور بر انداختن نظم مستقر دعوت کند، واقعا چه اتفاقی خواهد افتاد؟ چنین کوشنده ای خوش شانس خواهد بود اگر بتواند با تن سالم از آنجا فرار کند!"

تلاشهای رژیم ورشکسته ولایت فقیه در عراق جهت غلبه بر بحران داخلی

آناهیتا اردوان

آنچه در ۲۲ بهمن امسال گذشت برای چندین بار، مخصوصاً بعد از نمایش انتخاباتی در بیست و دوم خرداد، نشان داد که حاکمیت در ایران از پایگاه مردمی در داخل برخوردار نیست. مردم ایران علیرغم دستگیریهایی گسترده و تهدیدهای پیاپی برای ممانعت از گسترش حرکت مترقی مردم جهت یادآوری و زنده کردن مطالبات قیام ضد سلطنتی که توسط انگلی ترین قشر جامعه بروده شد، پا به میدان گذاشتند تا باری دیگر به ولایت فرسوده فقیه اعلام کنند که مشعل مبارزه برای دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی در سرزمین ایران خاموش نخواهد شد. گرچه ساختار استبدادی حاکم با قلدری و پرویی کوشش می کند که نشان دهد از ثبات و پایداری برخوردار است، اما این حقیقت که آگاهی مردم به آن چنان رشدی رسیده که هر لحظه به بهانه ای کل ساختار حاکم را به چالش می گیرند و سیستم استبدادی را در گوشه میدان بی هویتی با بحرانی عمیق و فراینده روبرو ساخته و به طور مداوم فرسایش می دهد. این حقیقت بر هیچ نیرویی حتی آنانی که هنوز تلاش می کنند از پتانسیل این حرکت عظیم به نفع منافع طبقاتی خود استفاده کنند، پوشیده نیست. استبداد حاکم در چنان بحران عمیقی گرفتار آمده که اگر در برابر انبوه خواستههای مردم عقب نشینی کند و یا جهت تجدید قوای دستگاه مزدوری و سرکوب برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر سرمایه گذاری کند، راه نجاتی در برابر خود نمی بیند و محکوم به زوال است. در هر صورت مستبدان جبار در چنین شرایطی هرگز ساکت نخواهند نشست و به سهولت قدرت را رها نمی کنند. بلکه با آگاهی به فقدان راهی برای نجات، از هر تاکتیکی استفاده می کنند، حتی اگر آن تاکتیک منافع آنان را به میزانی که مایلند تأمین نکند. رژیم ولایت فقیه بین تیغه های بحرانهای روزافزون داخلی و بین المللی قرار گرفته و راه برون رفتی فراروی خود نمی بیند. بنابراین همواره تلاش می کند تا همه امکانات فراسوی خود استفاده کند.

شهر اشرف همگی بر این مساله تأکید می کند که رژیم سعی می کند با کشاندن بحران به خارج از مرزها بر آن غلبه کند. مساله حذف بسیاری از شخصیت‌های سیاسی معروف که خواستار تغییر دموکراتیک در ساختار سیاسی عراق هستند، با ارائه دلیلهای غیر منطقی از یکسو و ائتلاف وقت و عدم رسیدگی عادلانه به این مساله، خشم و انزجار نامزدهای انتخاباتی حذف شده و همچنین طرفداران منافع ملی عراق را بیش از پیش نمایان ساخته است. اکنون تضاد بین نیروهائی که از استقلال، منافع ملی و مردمی عراق در پوشش انتخاباتی دموکراتیک دفاع می کنند با نیروهای وابسته به رژیم در قدرت سیاسی حاکم و خارج از آن، پرننگتر از پیش ظاهر گردیده است.

نگاهی اجمالی به واکنش مردم، احزاب، ائتلافها، شخصیت‌های سیاسی ملی و سکولار و عشایر نسبت به تشدید دخالت‌های جمهوری اسلامی در مسائل عراق با توجه به نزدیک شدن انتخابات پارلمانی:

شماری از شیوخ عشایر عراق در اعتراض به حذف جریانهای ملی عراقی دست به تظاهرات زدند. آنان ارگانی که به حذف بسیاری از شخصیت‌های سیاسی از جمله دکتر صالح المطلک اقدام کرده را «ستاد حسابرسی ناعادلانه و بد نام» می نامند و حکم تصفیه جریانهای سیاسی را پاسخگوئی به دخالت‌های خارجی توصیف کردند. شیخ مطلب گفت: «از این تظاهرات که صدای عشایر عراق را اعلام می کند، از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس پارلمان می‌خواهیم که به صدای مردم عراق گوش کنند. برای این که ما برای همه مردم عراق خیر می‌خواهیم... از نخست‌وزیر می‌خواهیم که به این موضوع توجه کرده و تصمیمی حکیمانه برای لغو حکم حذف کاندیداها صادر کند. علاوه بر این، از همه می‌خواهیم که به میدان انتخابات بازگردند که به مثابه حرم واقعی صدای مردم عراق است».

تجمع عشایر ملی عراق همچنین با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که مردم عراق و رهبران ملی آن از جمله دکتر صالح المطلک ظلم و ستم زیادی از بابت دخالت‌های رژیم ایران کشیده اند. این بیانیه حذف شخصیت‌های ملی برجسته را محکوم کرده و از تمام عراقیان دعوت کرده تا انتخابات را به منظور ایجاد فضای درست و به

شکست کشاندن این توطئه، تحریم کنند.

مردم در بغداد و استانهای انبار، دیالی و موصل در حمایت از دکتر صالح المطلک و در اعتراض به حذف او دست به تظاهرات زدند. آنان ابراز داشتند که در صورت عدم عقب نشینی از تصمیم حذف شخصیت‌های ملی و در رأس آنان دکتر المطلک و دکتر ظافر العانی، انتخابات به صورت گسترده تحریم خواهد شد.

الامیر انورامیر طائیفه الایزیدیه نیز با اعلام همبستگی با دکتر المطلک با انتخابات طائفی مخالفت کرد و مساله حذف شخصیت‌های سیاسی ملی را نشان از دخالت‌های آشکار رژیم دانست. او ابراز داشت که تا زمانی که ملی‌گرایان به صحنه انتخابات برگردانده نشوند مساله بسیج انتخابات را شروع نخواهیم کرد. جنبش آزاد سازی جنوب عراق به دلیل حذف شخصیت‌های ملی از شرکت در انتخابات با صدور بیانیه ای انتخابات را تحریم کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است که حذف شخصیت‌های ملی دارای پایگاه اجتماعی گسترده مثل صالح المطلک به معنی حذف اراده و خواست شهروند عراق است.

حیدر الملائ، سخنگوی ائتلاف العراقیه عنوان کرد که ما با توجه به افشاگری ژنرالهای آمریکائی، پترایس و اودیرونو، پیرامون روابط و نشست‌های پی در پی آلت دست‌هایی در عراق همچون احمد چلبی با مقامات رژیم حاکم بر تهران جهت پیاده طرح‌هایی که منافع آنان را در بر می‌گیرد هرگز سکوت نخواهیم کرد. این طرح‌ها و برنامه‌ها از سال ۱۹۷۹ که شعار صدور انقلاب از درب شرقی که عراق است سر داده شده و تا کنون ادامه دارد.

طارق خلف العبدالله، رئیس لیست «وطنی العراق» نیز با محکوم کردن صحبت‌های احمدی نژاد مبنی بر این که «بعثیها دیگر نباید به قدرت برسند»، این مساله را بسیار خطرناک دانست و تأثیر احکام ستاد حسابرسی بر روی انتخابات را بسیار منفی ارزیابی کرد.

جبهه گفتگوی ملی یکی از جریان‌های تشکیل دهنده ائتلاف العراقیه می باشد انتخابات را تحریم کرد. دکتر ظافر العانی، رئیس فراکسیون جبهه توافق در پارلمان عراق، شرکت در انتخاباتی که تحت کنترل رژیم باشد را اشتباه ارزیابی کرد. تجمع المستقلین نیز انتخابات عراق را تحریم کرد.

تظاهرات گسترده ای در رمادی علیه حذف شماری از کاندیداها از شرکت در انتخابات از سوی مردم برپا گردید.

خبرگزاری یو پی ای مورخ دوازده فوریه تحت مقاله ای عنوان کرد که حذف نامزدهای انتخاباتی که نشانی از سایه تقلب و دروغ بر انتخابات هفت مارچ کشورعراق است، مردم را خشمگین کرده است. روزنامه واشنگتن پست نیز به تاریخ شانزده فوریه بر اساس حرف‌های فرمانده ارشد آمریکائی سرریا عنوان کرد که اعلامی و احمد چلبی شدیداً تحت تأثیر دولت ایران قرار دارند. این گزارش اضافه می کند که اعلامی، مدیر کمیته ای که مسوولیت حذف بسیاری از شخصیت‌های سیاسی عراقی به عهده دارد، همراه با احمد چلبی مرتباً با نیروهای قدس و سپاه پاسداران در ایران نشست داشته اند. اکنون دولت ایران فعالیت‌های خود در عراق را بیشتر در استفاده از نیروهای سیاسی عراقی و سرمایه گذاری مالی جهت اعمال قدرت سوق داده است.

آخرین گزارشات از عراق نشان می دهد که فراکسیون العراقیه به رهبری ایداد علای که به مدت سه روز انتخابات را به دلیل حذف شخصیت‌های سیاسی و ملی از شرکت در انتخابات متوقف کرده بود، مجدداً فعالیت‌های انتخاباتی خود را از سر گرفته است.

دلقکها پشت دروازه شهر اشرف

اخیراً رژیم ایران با کمک نوری المالکی، که با تشدید تنفر ملت عراق و بحرانهای عمیق سیاسی-اقتصادی شکست در انتخابات آینده را پیش رو تصور می کند، برخی عناصر وابسته به وزرات اطلاعات را در پوشش خانواده های اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران ساکن شهر اشرف به گرد هم آورده است. دلقک‌های باج بگیر ولایت مطلقه فقیه که دیروز در ایران و خارج از کشور مشغول جاسوسی، اسید پاشی و طرح ریزی ترور بودند امروز همانند شعبان بی مخها و زهر خانمها در خاک عراق به برده کشتی مشغول گشته اند. حضور این افراد در خاک عراق نه تنها نشان از تعهد دولت المالکی به رژیم ایران از روی زبونی و ورشستگی دارد، بلکه به سادگی نشان می دهد که دولت کنونی عراق به جای حل و فصل بحرانهای فزاینده ای که روی دوش ملت محروم عراق فشار می آرد به فکر تأمین همه جانبه منافع رژیم ورشکسته ولایت فقیه است. رژیم با کشاندن بحران به آنسوی مرزها، سوار بر دوش دلقک‌های باج بگیر، پشت دروازه های شهر اشرف به مثابه کانون بقیه در صفحه ۱۳

احمدی نژاد کشورهای مخالف خود را تهدید می کند

زینت میرهاشمی

دنیای شیرین جمهوری اسلامی در بده و بستان با دولتهای غربی ترک بزرگی برداشته است. دولتهای غربی طی سه دهه با سنگر گرفتن در پشت سیاست مامشات و یا گفتگوهای سازنده، چرب ترین رابطه سیاسی و اقتصادی با رژیم را برقرار کردند و به خاطر منافع بازار سرمایه داری بیشترین ضرر را به مردم ایران و به نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک وارد ساختند. بحران انقلابی و جنبش رنگین کمان، ضربه ای محکم بر سیاست مامشات وارد کرد و از این به بعد به عنوان یک جنبش توده ای مداخله گر وارد محاسبات سیاسی در سطح بین المللی شد. فشار بین المللی روی رژیم اگر چه ناکافی است اما همین حد آن نیز یکی از دستاوردهای قیامی است که با گامهای مصمم به پیش می رود.

پیشنهاد تشکیل یک نهاد بین المللی برای تحقیق وضعیت حقوق بشر که توسط فرانسه و بریتانیا داده شده، نتیجه خیزش بیشماران است که در چشم انداز فشار بر رژیم را بیشتر می کند.

نکته جالب این است که سیاستهای این دو کشور همراه با آلمان تا کنون بیشترین خدمت را به دیکتاتوری ولایت فقیه کرده است. اگر به شعارهای مردم در خیزشهای اخیر و به شعارهایی که در حرکتیهای اعتراضی کارگران طی سالهای اخیر داده شده توجه کنیم، به درستی مشاهده می شود که جنبشهای اجتماعی ایران مخالف تولید انرژی اتمی بوده و هیچ نیروی توده ای در دفاع از موضع رژیم حرفی نزده است. شورای ملی مقاومت که افشاگر پروژه غنی سازی اورانیوم توسط رژیم بوده به طور مرتب به نهادهای ذیربط هشدار می داده و تاکید می کرده که مردم ایران سیاستهای رژیم در عرصه اتمی را سیاستهایی ماجراجویانه و بر خلاف منافع ملی مردم ایران می دانند. اما دولتمردان و سیاستمداران کشورهای بزرگ، با دفاع از مامشات به رژیم ایران فرصتهای طلایی بخشیدند. حکام ایران سالها تهدیدها را تبدیل به فرصت کردند و با بحران آفرینی در جهان بیشترین سرکوب را در داخل انجام دادند.

احمدی نژاد روز سه شنبه ۲۷ بهمن در مقابل افزایش فشار بین المللی، کشورهای مخالف خود را تهدید کرد. وی ادعا کرد که هر کشوری تحریمهایی را علیه ایران وضع کند از این اقدام «پشیمان» خواهد شد. وی نوع تهدید و اقدامی که به پشیمانی آنها منجر خواهد شد را برنشمرد که بنا به محاسبه خامنه ای و گماشته اش پاشنه آشیل دولتهای غربی است. تهدید به تروریسم، پاسخ دادن در محلهای دیگر، گروگان گیری و ... تهدیدهایی که سالها برای سکوت جامعه بین المللی در برابر ماجراجوییهای رژیم در منطقه موثر بوده است.

جنبش مقاومت مردمی ایران که خواهان تحقق آزادی و حاکمیت غیر دینی، دموکراسی و عدالت است و سرنوشته جامعه ایران را خود تمیین خواهد کرد به طور جد خواهان تغییر تعادل قوا در روابط بین المللی به نفع قیام عادلانه مردم ایران است. فشار از طرف نهادهای بین المللی روی رژیم ایران و منوط کردن هر گونه روابطی را به آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق بشر، رژیم را سطح بین المللی با چالشهای جدی تری روبرو خواهد ساخت و چشم انداز، ایزوله تر شدن جمهوری اسلامی در سطح بین المللی خواهد بود. فعالیت نیروهای آزادیخواه در خارج از مرزها کام مستبدان را هر چه بیشتر تلخ خواهند کرد.

فراسوی خبر... ۲۸ بهمن

کار اصلی اجلاس ژنو

منصور امان

نشست نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل که از امروز بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران را بررسی می کند، برای جمع بندی و نتیجه گیری کار دشواری در پیش نخواهد داشت. سرکوب خونین و رفتار وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی علیه شهروندان ایرانی در جریان اعتراضهای هشت ماه اخیر آنها، جای تفسیر زیادی پیرامون سیاست رسمی حکومت در برخورد به حقوق بدیهی مردم به جا نگذاشته است.

نشست سه روزه سازمان ملل در ژنو، به انبوهی اسناد و مدارک انکار ناپذیر دسترسی دارد که در ماه های گذشته از سوی شهروندان عادی، انجمنها و نهادهای غیردولتی و سازمانها و گروه های اپوزیسیون منتشر گردیده و در ابعاد جهانی بازتاب یافته است. به نکات کلیدی این اسناد، در گزارش مهر ماه دبیرکل سازمان ملل و نیز قطعنامه آذر ماه کمیته سوم مجمع عمومی همین سازمان استناد شده است. از این زاویه، قالب کردن داستانی که آقای جواد لاریجانی، یک طالب کت شلواری و فرستاده باند نظامی - امنیتی ولایت فقیه برای این نشست به همراه آورده، یک ماموریت غیرممکن به نظر می رسد.

بر این اساس، کار اصلی اجلاس ژنو فقط می تواند هموار کردن مسیر اقدامات عملی به منظور جلوگیری از ادامه پایمالی حقوق پایه ای و شهروندی مردم ایران باشد. تلاش در این زمینه بر دو سطح متفاوت اما مکمل یکدیگر می تواند به جریان بیافتد. نخست، نشست مزبور می بایست رژیم تحقیقی و نظارتی مشخص و فشرده ای را در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین و ارگانهای مسوول در سازمان ملل مانند شورای حقوق بشر و کمیته های زیر مجموعه مجمع عمومی این سازمان را به اجرای آن تشویق کند.

در سطح دولتی، ضروری است که کشورهای حاضر در نشست، پشتیبانی خود از این روند را با ارایه تدبیرهای سیاسی و اقتصادی علیه رژیم حاکم بر ایران و متعهد گردیدن به اجرای آن به نمایش بگذارند. یک نمونه از این واقعیت که چگونه دولتها با دخالت خود می توانند دایره اقدامات سرکوبگرانه حکومت ایران را محدود کنند، چشم پوشی غیر داوطلبانه شرکت آلمانی زمینس از فروش تجهیزات شوند و جاسوسی به سرکوبگران است.

فراسوی خبر ۲۵ بهمن

عزم جنبش بیشماران در منکوب کردن استبداد دینی

در ۲۲ بهمن

جعفر پویه

۲۲ بهمن سالروز خشم و خروش تاریخی مردم ایران علیه استبداد تاریخی شاهنشاهی است. در این روز فریادهای آزادیخواهی مردم به خروشی تاریخ ساز تبدیل شد و طومار استبداد تاریخی شاهنشاهی را بر هم پیچید. در چنین روزی مبارزات مردم و تلاشهای آنان گل داد و عطر آزادی در سرتاسر میهن ما پیچید. دوستی و رفاقت، مهر و عطوفت در فضا موج می زد، ما همه باهم برادر و همصدا بودیم، یکدیگر را دوست داشتیم و حاصل تلاش تاریخی خود را پاس می داشتیم. اما از آن روزهای زیبا و دوست داشتنی چیزی نگذشته بود که نفس اژدهای استبدادی دینی بر غنچه های آزادی خورد و باغ زیبای بهاری ما را خشکاند. گورستانها مامن تلاشگران آزادی شد و مادران عزادار در غم فرزندان دلیر خود بار دیگر سیاه پوشیدند. دست جلاد با داس مرگ سنگفرش خیابانها را از خون جوانان رنگین کرد. زندانها مملو از آزادیخواهان شد و جوخه های مرگ بر پیکر غوغاگران آزادی آتش گشود تا بهار آزادی ما را خزان کند.

اما امروز ۳۱ سال پس از آن روز تاریخی بار دیگر دختران و پسران شجاع مردم، زنان و مردانی که شهامت شان چشم جهانیان را خیره کرده است، پای به راه نهاده اند تا حدیث بهمن ۵۷ را مکرر کنند. جنبش پر عزم و اراده بیشماران با رنگین کمانی از ایده و باورها تصمیم گرفته اند تا دیو استبداد را از خانه و کاشانه خود برانند. تلاشگران عرصه های متفاوت اجتماع، شیفتگان آزادی و ستایشگران صلح و دوستی، گماشتگان استبداد، شکنجه گران و آدمکشان مسلط بر سرنوشته مردم را در برابر شجاعت و شهامت خویش به زانو درآورده اند. آنها تصمیم دارند تا در این سالروز تاریخی با صدای بلند به گوش همگان برسانند که راه و رسم آزادیخواهی، شکوه ستایش صلح دوستی نه تنها در میهن ما سرکوب نشده است بلکه، همچنان الماسی پر بها، صیقل خورده در سالیان دراز سرکوب هنوز به زیبایی می درخشد. جوانان، زنان و مردان، از هر گروه و دسته و حزبی با ایده ها و تفکراتی متفاوت در یک کلام به توافق رسیده اند و آنهم منکوب کردن دیو استبداد مذهبی و نماد تحجر آن ولایت فقیه برای رسیدن به آزادی است. در سالروز ۲۲ بهمن پر شکوه مردم ایران، تلاش زنان و مردان جنبش رنگین کمان بیشماران را ارج می گذاریم و در رزم آنان برای رسیدن به آزادی و منکوب کردن دیو استبداد همگام و همراه آنان هستیم تا بار دیگر بهار آزادی را در میهن اسیرمان هر چه با شکوه تر با ساز و سرود به سرور برخیزیم. فراسوی خبر ۲۲ بهمن

تلاشهای رژیم

.....

بقیه از صفحه ۱۲

فعال علیه صدور تروریسم و بنیادگرایی درصدد است تا نیروهای فعال اپوزیسیون را با حوادث مختلف درگیر سازد. اگرچه تاریخ مبارزه عقابان صلح و دوستی ساکن شهر اشرف نشان داده است که هیچ چیزی قادر نیست در عزم و مقاومت آنان خللی وارد سازد. حضور دلکچها پشت دروازه شهر اشرف نشان از محدود بودن امکانات ساختار سیاسی ورشکسته ای دارد که بحران فرآینده، ولایت مترزلش را هر لحظه به سوی سرنگونی سوق می دهد.

حقیقت غیر قابل انکار این است که هم ملت ایران و هم ملت عراق به این آگاهی رسیده اند که تا زمانی که بر دهن وحشی ولایت فقیه لگام نزنند قادر نیستند گامهایی جدی در مسیر استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی بردارند. توسل به تاکتیکهای قدیمی و صدور بحران به بیرون مرزها نیز از سوی رژیم ولایت فقیه که همانند حریف بی جانی در کنار گوشه رینگ قرار گرفته نیز قادر نیست مرهمی بر درد بی ثباتی و بی هویتی رژیم باشد. با توجه به شرایطی که رژیم در عراق در بحبوحه انتخابات پارلمانی این کشور فراهم ساخته حتی اگر با توسل به حذف و تقلب به منافع شوم خود دست پیدا کند با جنبش عظیمی از نیروهای ملی و سکولار در عراق روبرو خواهد شد که دولت دست نشانده اش را با چالشهای جدی روبرو خواهد سازد.

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

به مناسبت سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل و در همبستگی با قیام مردم ایران

«آن که می گفت حرکت مردم در این وادی خاموش و سیاه، برود شرم کند.»

در سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، در سی و یکمین سالگرد انقلاب بهمین و در شرایطی که جنبش اجتماعی مردم ایران و قیام رنگین کمان بیشماران در ۸ ماه گذشته عمق و وسعت کم نظیری یافته است، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه زنان و مردانی که طی ماههای گذشته با خیزشهای حماسی، پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآورده اند و با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفته اند درود می فرستد. جنبش اجتماعی و قیامهای چند ماه گذشته برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشان، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کردند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می گرفتند، نشان داد که نه جمهوری اسلامی ظرفیت تحول پذیری از درون خود را دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند.

واقعیت این است که ولایت خامنه ای پس از سرکوب خیزش دانشجویان و جوانان در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ و پس از تحمیل یک کوتوله سیاسی در سال ۱۳۸۴ به رقیای خود، به این توهم دامن می زد که رژیم حاکم، جاودانه به سریر قدرت تکیه زده و هیچ نیرویی نمی تواند برای به زیر کشیدنش از مرکب جهل و جنایت قیام کند. این لاف پر گزاف و این ادعاهای سخیف با جنبش بیشماران و فدakarهای زنان و مردان ایران زمین به یکباره رنگ باخت. خیزش رنگین کمان مردم ایران در مقابل چشم جهانیان واقعیت جامعه ایران را به وضوح نشان داد.

ما یاد و خاطره زنان و مردانی که در پیکارهای پرشکوه و حماسی ماههای گذشته در مبارزه خیابانی، در زیر شکنجه جلاخان و یا در پای چوبه های اعدام به شهادت رسیدند را گرامی می داریم و به مقاومت خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی درود می فرستیم. این چوبه های دار در گوشه و کنار میهن ما و این دستگیریهایی گسترده و شلاق و شکنجه و کهریزک ها نشان دهنده ترس و وحشت رژیم از قیام مردم ایران است.

در شرایطی که کارگران، مزدبگیران، معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان کشور ما با قیامهای حماسی خود اصل ولایت فقیه به مثابه محور رژیم و اساس استبداد دینی را هدف قرار داده اند و هزاران کارگر، دانشجو و روشنفکر ایرانی به خاطر مبارزه برای آزادی در زندان و تحت شکنجه های وحشیانه قرار دارند، خواست آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی به یک خواست مبرم تبدیل شده و در این مسیر خانواده و مادران شهدا و زندانیان سیاسی با مبارزه شجاعانه خود نقش مهمی به عهده گرفته اند. ما ضمن حمایت از تلاش مادران خواستار اقدام عاجل بین المللی برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، و لغای مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهلیمین سال حیات خود به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، عدالت و نابودی تبعیض جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستد. ما از خواست کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری حمایت و همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اعلام می کنیم. ما از تمامی تشکلهای اتحادیه ها و نهادهای کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از حقوق کارگران و مزدبگیران ایران حمایت و پشتیبانی کنند.

ما از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسی و از مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای لغو تبعیض مذهبی حمایت و پشتیبانی می کنیم.

ما خواستار آن هستیم که حقوق زنان و مردان ساکن در شهر اشرف بی درنگ از جانب دولت عراق به رسمیت شناخته شود. در مبارزه برای تثبیت حقوق مجاهدان شهر اشرف ما در کنار همه ی تلاشگران و فعالان حقوق بشر قرار

داریم. ۳۹ سال پیش در شامگاه روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ یک دسته پارتیزانی به فرماندهی فدایی شهید رفیق علی اکبر صفایی فراهانی با حمله جسورانه به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل در استان گیلان مشعل آزادیخواهی را برافروخت. از آن روز جنبش پیشتاز فدایی و جنبش نوین کمونیستی ایران پایه گذاری شد که تا قیام بهمن سال ۱۳۵۷ چون آذرخش در شب تیره و تار دیکتاتوری

سلطنتی درخسید. جنبش پیشتاز فدایی طی هفت سال فعالیت مداوم و زیر شدید ترین ضربات و پیگردهای پلیسی، شگفت انگیزترین حماسه ها را در جنبش آزادیبخش مردم ایران به ثبت رساند.

دیکتاتوری شاه در واکنش به این اقدام که قدرت مطلقه اش را زیر سوال برده بود و برای مردم پیام مقاومت و ایستادگی و غلبه بر ضعف مطلق داشت، با بسیج نیروهای ویژه نظامی از زمین و هوا به سرکوب گسترده دست زد و در جریان نبردهایی که تا اوایل اسفند ۱۳۴۹ جریان داشت رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی را به شهادت رساند و بقیه اعضای دسته پارتیزانی را اسیر نمود.

در ۲۶ اسفند همان سال رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسیحی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیری در بیدادگاههای نظامی به اعدام محکوم و به جوخه اعدام سپرده شدند.

این واکنش شتابزده، به جای تثبیت «جزیره آرامش» به کابوس ماندگاری که برای قدر قدرتی دیکتاتوری سلطنتی افق سرنگونی را به تصویر می کشید، تبدیل شد. پس از حماسه سیاهکل بود که در میان آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می تپید، شور و شوقی گسترده ایجاد شد و نام چریکهای فدایی خلق به عنوان سمبل مبارزه برای رهایی در تاریخ کشور ما به ثبت رسید.

بدیهی است که ما در صدد انکار نارساییها، ضعفها، انحرافها، خطاها و کمبودهای جنبش فدایی در سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ نیستیم. تاکید ما بر نقش موثر و مداخله گر چریکهای فدایی خلق در آن زمان به خاطر انتقال تجربه به نیروهای جنبش کمونیستی در شرایط کنونی است.

بیهوده نیست که عافیت جوانان و فرصت طلبان و مهمتر از همه دژخیمان و شکنجه گران جمهوری اسلامی با وقاحت و ردالت، مثنی دروغ و بهتان را به جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ نسبت می دهند.

در حقیقت پژواک پیکاری که چریکهای فدایی خلق آن را آغاز کرد، زمزمه های مایوسانه را نقش بر آب کرد، بر اندیشه های فرصت طلبان و

عافیت جوانی که برای بی عملی خود به هزاران بهانه چرکین و توجیه تئوریک نخ نما شده متوسل می شدند، غلبه کرد و با مبارزه زنان و مردانی که حاضر بودند در راهی سخت گام بردارند چشم انداز آزادی را نه به مثابه یک رویا که به یک واقعیت دست یافتنی تبدیل کرد. این مهمترین درس رستاخیز سیاهکل برای نیروهای جنبش کمونیستی می باشد که هم اکنون در جنبش بیشماران فعالیت می کنند و با پلیدترین تبهکاریهای استبداد مذهبی روبرو هستند.

ما در بیانیه سال گذشته به مناسبت سالروز حماسه سیاهکل نوشتیم: «غلبه بر بحران کنونی در جنبش کمونیستی ایران بدون برخورد علمی با شکستگی و پیشرفت جنبش پیشتاز فدایی در سالهای قبل از قیام بهمین امکانپذیر نیست». در آن بیانیه با استناد به اراجیف سخیف وزارت اطلاعات در مورد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران گفتیم که نهادهای امنیتی رژیم می کوشند تا «با انتشار تحلیلهای غلط و اطلاعات مخدوش و تقلبی، نسل جوان کشور را که به کمونیسم تمایل پیدا می کنند از آگاهی درست به پیشینه این جنبش باز دارند. نیروهای ارتجاعی و دشمنان آزادی، صلح و سوسیالیسم با عربه خوبی مسموم کننده و با شیوه های معرکه گیران و رمالها دم از نابودی چپ و بی بدیل بودن لیبرالیسم عنان گسیخته جدید می زنند تا نظام دینی حاکم بر کشور ما را بی بدیل جلوه دهند. واقعیت این است که در شرایط حساس و پیچیده پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ یک رژیم مذهبی با جنبش توده ای به قدرت رسید، سازمان ما به علت فقدان یک خط مشی درست و در فقدان رهبران هوشیار، صادق و انقلابی و به علت مناسبات ضد دمکراتیک درون تشکیلات که منجر به انشعابهای گوناگون شد، نتوانست نقش یک سازمان پیشرو، جدی و مداخله گر را اجرا کند. این ضعفهای اساسی نه به علت خط مشی سازمان در سالهای پیش از انقلاب بهمین که به علت عدم توانایی در تطابق با شرایط تجربه گذشته جنبش پیشتاز فدایی و درک شرایط جدید در ایران و در سطح جهان تنها راهی است که می تواند جنبش کمونیستی ایران را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. ما با این امید تلاش می کنیم و همه ی مدافعان راه

بقیه در صفحه ۱۵

به اعتلای خود با گذشت از نقطه عطف قیام ۶ دی (عاشورا) سرنگونی رژیم را به یک امر واقعی و قابل تحقق تبدیل کرده است. در حالی که در توازن قوای کنونی هیچ چشم انداز جدی برای تغییر درونی رژیم و تغییر رفتار آن وجود ندارد، راه حل تغییر دمکراتیک که ما و شورای ملی مقاومت ایران بر آن تاکید کرده و در راه آن مبارزه می کنیم یعنی تغییر از طریق مردم ایران و نیروهای مقاومت روز به روز کند. واقعیت این است که تحقق آزادی و



این حداقل خواسته ها تا کنون به شکل شفاف از جانب موسوی و کروبی تایید و به رسمیت شناخته نشده است.

گرچه میرحسین موسوی و نزدیکترین مشاوران وی بارها گفته اند و در عمل نیز نشان داده شد که در پشت مردم حرکت می کنند و در موارد بسیار مثل ۳۰ خرداد و ۱۸ تیر و ۶ دی (۱۰ محرم، عاشورا) نقش موثری در شکل گیری قیامهای مردمی ندارند اما به ویژه پس از قیام روز عاشورا افراد و جریانهایی تلاش می کنند تا هنوز محدوده و مرز جنبش بیشماران را در جدالهای درون قدرت تعریف کنند. بدیهی است که این تلاش در شرایط بحران غیرقانونی و با توجه به این که خامنه ای به دنبال سازش و تعامل با رقبایش نیست، فقط به استبداد مذهبی برای سرکوب مردم یاری می رساند.

هدف خامنه ای و گماشتگان وی چیزی کمتر از تسلیم موسوی و کروبی و طرفداران آنها به منظور مهار جنبش مردم نیست.

زنان و مردان ایران زمین کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهلیمین سال حیات خود همچنان بر مبارزه برای تحقق استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم پافشاری می کند. ما در شرایط کنونی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی (انقلاب سیاسی دمکراتیک) تلاش می کنیم.

جنبش آزادی خواهانه مردم ایران صحنه سیاسی جامعه ایران را به کلی دگرگون کرده و در مسیر پرشتاب و رو

نمایشی برای نهمین دوره ریاست جمهوری رژیم به وقوع پیوسته است. منجر به بحران کنونی شده، محصول سیاست ولی فقیه برای یک پایه کردن ولایتش است.

اما این سیاست خامنه ای در شرایط فوران خشم مردمی و بروز انباشت نارضایتی و در شرایط شکاف در بالا به کشتی به گل نشسته تبدیل می شود. بالا بپها نمی توانند همچون گذشته حکومت کنند و مردم دیگر نمی خواهند به شکل سابق زندگی کنند و در نتیجه روانشناسی تغییر در مردم شکل می گیرد.

عصر روز ۲۴ خرداد به دستور خامنه ای به کوی دانشگاه تهران حمله می شود و در این یورش وحشیانه تعدادی از دانشجویان به شهادت می رسند. خامنه ای فکر می کرد با این یورش، کانون اصلی جنبش را نشانه گرفته است. اما روز ۲۵ خرداد جنبش اعتراضی با حضور میلیونها تن در سراسر ایران پیام محکمی برای ولی فقیه ارسال می کند. خامنه ای که مست پیروزیهای پس از اشغال عراق شده بود این پیام را جدی تلقی نمی کند و در نماز جمعه روز ۲۹ خرداد با توپ و تشر مردم را مورد توهین و تحقیر قرار می دهد.

روز ۳۰ خرداد قیام بیشماران به ابتکار خود درس مهمی به ولی فقیه می دهد. قیام مردم با انفجار مطالبات و خواسته های سرکوب شده مردم ایران در ۳۰ سال گذشته به راه خود بر محور نفی استبداد مذهبی و برای تحقق آزادی ادامه می دهد.

در بطن خیزشهای حماسی مردم ایران و در مبارزه جنبش رنگین کمان بیشماران مطالبات زیر به عنوان کف خواسته های مردم قرار دارد که باید آنها را در گردهمایها، تظاهرات خیابانی و حرکتیهای اعتراضی به طور گسترده مطرح کرد.

آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو شکنجه و اعدام، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری اقوام و ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در همه ی پهنه های دولتی و اجتماعی، لغو هرگونه تبعیض مذهبی، به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب، حق ایجاد تشکلهای مستقل و حق برخورداری از یک نظام تامین اجتماعی گسترده برای کارگران، مزدبگیران و کارمندان بخش دولتی و خصوصی و جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار.

پیام سازمان چریکهای فدایی

....

بقیه از صفحه ۱۴

صلح، آزادی و سوسیالیسم را به تلاش برای غلبه بر بحران درون جنبش کمونیستی ایران فرا می خوانیم.» ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه ی کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.

اکنون پس از گذشت ۳۹ سال از حماسه سياهکل و گذشت ۳۱ سال از قیام بهمن و به قدرت رسیدن استبداد مذهبی، مردم ایران در یکی از حساسترین و بحرانیترین لحظات تاریخ خود بسر می برد. در میان ناباوری فرصت طلبان و ماشائاتگران بین المللی، خشم انباشت شده مردم ایران با جرعه اطاق جادوگری «تجمیع آرا» منفجر شد و از خرداد امسال خیزش نوین مردم صحنه سیاسی جامعه ایران را به خود اختصاص داد.

تلاش کارگزاران خامنه ای در شورای نگهبان برای رنگ آمیزی قانونی شعبده بازی موسوم به «انتخابات» در همان چند روز اول شروع قیام رنگ باخت. مردم در روز ۱۳ خرداد، پس از مناظره موسوی-احمدی نژاد به شکاف در درون هرم قدرت پی بردند. نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به این شکاف وضوح بیشتری داد و بحران غیرقانونی و یا بحران انقلابی پس از مناظره ۱۳ خرداد کلید خورد.

روز شنبه ۲۳ خرداد نتایج نمایش انتخاباتی مهر تایید بر رنگی بر تقلبی و مضحک بودن این چشم بندی ناشیانه و بلاهت آمیز زد. اطاق تجمیع آرا، گماشته زنگار گرفته ولی فقیه را با لاک و روغن ۶۲ درصد آرا به عنوان رئیس جمهور اعلام کرد.

هدف اساسی خامنه ای از به کرسی نشاندن احمدی نژاد در یک انتخابات قلابی، تلاش برای حفظ امنیت نظام از طریق راهبرد «بی دنده و ترمز» در عرصه داخلی و جهانی است.

ولی فقیه نظام پیشبرد این سیاست را با گماردن پاسدار احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. آن چه طرفداران میرحسین موسوی و مهدی کروبی از آن با نام «کودتا» صحبت می کنند، در حقیقت در سال ۱۳۸۴ و در جریان انتخابات

حاکمیت ملی و دست یابی مردم ایران به دموکراسی و عدالت و پیشرفت تنها از طریق چنین راه حلی میسر است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران قیام مردمی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می داند و از این رو کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجوین، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی نیروهای جمهوریخواه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دمکراتیک و مستقل فرا می خواند.

گرچه بهترین و موثرترین شکل برای هماهنگی سیاسی جنبش، جبهه همبستگی است، با این حال در گذار از وضعیت کنونی به موقعیت مناسب می توان از اشکال مناسب دیگر و به ویژه توافقهایی عملی در عرصه مبارزه عملی استفاده کرد. ایجاد هسته های مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های عمل و شوراهای هماهنگی و... اشکالی است که می تواند برای هماهنگی مبارزه کارگران، کارمندان و مزدبگیران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران و معلمان و فعالان سیاسی، اجتماعی موثر باشد.

ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم
مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای،
زنده باد آزادی
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۱۴ بهمن ۱۳۸۸

پیام جمعی از هواداران جنبش فدایی به مناسبت سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل را در زمانی بر گذار میکنیم که خلق قهرمانان در خیابانها خون می دهند تا آزادی را تا زندگی انسانی را پیشکش هم زنجیران خود کنند این بخشی از آرمانی است که رقتای فدایی در سی و نهمسال پیش جان خود را بخشیدند تا آزادی و عدالت را در سراسر ایران و جهانبرقرار کنند آرمانی که گرچه در آن دوران دور به نظر می رسید اما قول سرمایه داری در منطقه را به لرزه در آورد. درود بر رفقای که آنان را رهبران خود و آرمان آنان را که همانا مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان است سر لوحه زندگی خود قرار داده اند. جمعی از هواداران جنبش فدایی بهمن ۱۳۸۸

پیام به مراسم بزرگداشت حماسه سیاهکل

به تمامی آزادیخواهان و فعالین جنبش فدایی با دروذهای انقلابی به رزمندگانی که حماسه سیاهکل را آفریدند و با گرمیداشت یاد همه شهدای جنبش آزادی خواهی مردم ایران طی چند ماه گذشته. ما جمع کوچکی از فعالین چپ که در گذشته در جنبش دانشجویان و جوانان فعال بودیم و اکنون به با دیدگاه چپ خود را جزیی از شبکه های جنبش اجتماعی مردم می دانیم، با اعتقاد به نقش تاریخی که حماسه سیاهکل در زندگی مردم زحمتکش ایران داشته، طی سالهای گذشته با برافروختن آتش در کوههای شمال تهران و سرودخوانی، پیکار حماسه سازان فدایی را ارج می گذاشتیم، امسال با مردم و در کنار مردم و در صحنه مبارزه کارگران و زحمتکشان حماسه سیاهکل را گرمی می داریم. ما در تمام حرکتهای بزرگ مردم با سر دادن صدای حق طلبی، وفاداری خود را به راه و رسم رقتای شهید نشان دادیم و در روز ۲۲ بهمن با شعار مرگ بر دیکتاتور به این مبارزه ادامه می دهیم. ما به همه کسانی که سالروز حماسه سیاهکل را گرمی می دارند درود می فرستیم. ما همراه با جنبشهای اجتماعی مردم ایران مبارزه تا سرنگونی رژیم را ادامه می دهیم. نابود باد دیکتاتوری دینی زنده باد آزادی، زنده باد عدالت جمعی از فعالین چپ ۱۶ بهمن ۱۳۸۸



مراسم سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل برگزار شد

بعد از ظهر روز شنبه ۱۷ بهمن امسال (۶ فوریه ۲۰۱۰) یادمان سی و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل و همبستگی با قیام مردم ایران در شهر کلن (آلمان) برگزار شد.

بر دیوارهای سالن برنامه آرم سازمان، عکس شهدای حماسه سیاهکل و عکس تعدادی از رهبران و بنیانگذاران سازمان و عکسهایی از خیزشهای مردم در ماههای اخیر نصب شده بود.

مجری برنامه، رفیق لیلا جدیدی با خواندن یک قطعه شعر از زنده یاد سیاوش کسرای برنامه را آغاز کرد و ضمن خوش آمدگویی به حضار، برای گرامیداشت و احترام به شهدای جنبش آزادیخواهان مردم ایران و شهدای جنبش پیشتاز فدایی یک دقیقه سکوت اعلام کرد. پس از آن یک نماهنگ از سرودهای سازمان همراه با تصاویر شهدای رستاخیز سیاهکل از ساخته

سپس نوبت به پرسس و پاسخ رسید. در این بخش رفقا جعفر پویه و منصور امان شرکت داشتند. مجری برنامه اعلام کرد که برای هر نفر پنج دقیقه در نظر گرفته شده که در این فرصت هر یک از دوستان و رفقای شرکت کننده می توانند به طرح نظرات خود و یا طرح سوال بپردازند. در این قسمت تعدادی از شرکت کنندگان با گرایشهای سیاسی مختلف و در مواردی متضاد به طرح نظرات خود پرداختند و یا سوالهایی را مطرح کردند که توسط رفقا منصور امان و جعفر پویه پاسخ داده شد.

پس از آن بخش هنری آغاز شد که رفیق فریدون رضانی از کارگاه هنر ایران ترانه سرودهای به یادماندن را اجرا کرد و با سرود انترناسیونال مراسم پایان یافت.

تعدادی از فعالان سیاسی اجتماعی از گرایشهای مختلف، تعدادی از اعضای شورای ملی مقاومت و دبیرخانه آن در برنامه حضور داشتند و دسته گلهای زیبایی از جانب شورای ملی مقاومت و هواداران این شورا در کلن به مراسم تقدیم شده بود.

فیلم کامل این مراسم پرشکوه به تدریج در شبکه جهانی اینترنت قرار داده خواهد شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹ بهمن ۱۳۸۸ - ۸ فوریه ۲۰۱۰
گزارش تصویری مراسم در آدرس زیر قرار دارد:

<http://www.youtube.com/user/pooyeh?gl=GB&hl=en-GB>

پیام نهضت آزادیخواه دموکراتیک ایران

تقدیم به یاد و خاطره شهدای راه آزادی.

۱۹ بهمن یادآور حماسه ای است که به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران می درخشد. برای درک این رویداد عظیم کافی است به این نکته توجه کنیم که چگونه شهادت مبارزانی اندک، موجب ایجاد موجی دلاورانه گشت که جامعه ایران را درنوردید. گروههای آزادیخواه برآمده از دل این موج تنها یکی از پیامدهای آن به شمار می روند. در حالی که فرهنگ مقاومت، ظلم ستیزی و ستم سوزی که با این حادثه در روان جامعه ایران نهادینه شد، هنوز با گذشت نزدیک به چهار دهه از آن حادثه تاریخی، پابرجاست و چونان فانوسی پیش روی افراد و گروههای آزاده مردمی و انقلابی قرار دارد. و امروز جز این نمی توان گفت که سیاهکل زنده است.

نهضت آزادیخواه دموکراتیک ایران (ندای ایران).

www.nadaye-iran.persianblog.ir

های رفیق جعفر پویه پخش شد. سپس بیابنه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران توسط رفقا فرنگیس باقره و کامران عالمی نژاد خوانده شد. پس از آن نماهنگ «یک شب مهتاب» از شعرهای به یادماندن احمد شاملو، با صدای زنده یاد فرهاد در گرمیداشت یاد و خاطره ندا آقا سلطان، سمبل شهدای قیام بیشماران همراه با تصاویری از خیزشهای مردم پخش شد. پس از آن مجری برنامه از رفیق زینت میرهاشمی دعوت کرد که سخنرانی خود را آغاز کند. متن سخنرانی رفیق زینت میرهاشمی در شماره آینده نبردخلق منتشر خواهد شد. با پایان سخنرانی از شرکت کنندگان در همایش با چای و قهوه و شیرینی پذیرایی شد.

بخش دوم برنامه با خواندن پیامهای رسیده آغاز شد. پیامهای «نهضت آزادیخواه دموکراتیک ایران(ندای ایران)»، «جمعی از فعالین چپ»، «جمعی از طرفداران جنبش فدایی» توسط رفقا ربابه جوزقی، امیر ابراهیمی و فرنگیس باقره خوانده شد. همچنین شاعر متعهد، آقای رحمان کریمی قطعه شهر کوتاهی که سالها پیش در ستایش حماسه سیاهکل سروده بود را قرائت کرد.

پس از آن یک فیلم کوتاه در مورد رستاخیز سیاهکل پخش شد. این فیلم در ۱۹ بهمن دو سال پیش از سیمای آزادی پخش شده بود.

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در مراسم سی و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل در کلن - آلمان

درد می فرستم به شما خانمها و آقایان ،
دوستان و رفقا

و سپاس از شما که با شرکتان ما را در
بزرگداشت این روز همیاری و همراهی
کردید.

با گرامیداشت و احترام به شهدای
قیامهای اخیر که خونشان روی
سنگفرش خیابان، و در پای چوبه های
دار ریخته شد.

در مقابل بی باکی و شجاعت همه آنها
سر تعظیم فرود می آورم.
با گرامیداشت خاطره شهدای پایداری
در شهر اشرف

با عشق و احترام به همه شهدای راه
آزادی ، شهدای جنبش عدالت خواهانه
مردم ایران طی ۱۰۰ سال اخیر.

با احترام به زندانیان سیاسی که چنین
بی باک زیر تیغ جلاخان، در حالی که
چوبه های دار در انتظار آنهاست،
دلیرانه از آرمانشان دفاع می کنند. چه
با شکوه است این مقاومت و ایستادگی
مگر می شود بر این لبهای داغ مهر
سکوت گذاشت. مگر می شود بر این
وجدانهای شوریده از ظلم و ستم،
سکوت را جاری کرد. مگر می شود
این قلبهای آتشفشان را به همین
راحتی از کار انداخت و خاموش کرد.

نه نه نه
می شود راه رسیدن به قله را سخت،
دشوار و طولانی کرد اما تلاش برای
رسیدن به آن را نمی توان متوقف
کرد.

به قول محمد زهری شاعر شعر
گلگشت:

شما یاران
نمی دانید
چه شهبایی تن رنجور ما را آب کردند
چه لبهایی به جای نقش خنده داغ می
شد

و چه امیدهایی در دل غرقاب خون
نابود می گردید

ولی ما دیده ایم اندر زمان خود
حصار ساکت زندان
که در خود، می فشارد ... نغمه های
زندگانی را
و رنجی کاندرون کوره ی خود می
گدازد آهن تن ها!
کسی از ما نه پای، از راه گردانید و نه،
در راه دشمن گام زد

و این صبحی که می خندد بروی بام
هاتان
و این نوشی که می جوشد درون جام
هاتان
گواه ماست ای یاران!

گواه پایمردیهای ما
گواه عزم ما... کز رزم ها جانانه تر شد

و اما با عشق عمیق و رقیقانه به
مبارزان کمونیست و نیز رفقای فدایی
ام که برای ساختن دنیایی بهتر، برای
آزادی و سوسیالیسم به شهادت
رسیدند. کسانی که جانشان را برای
تحقق چشم اندازهای زیبای انسانی از
دست دادند و در رسیدن به این چشم
اندازها اندیشه ها و ارزشهای خود را
جاودانه کردند.

به قول شاعر جادانه مان فروغ:

کسی از آسمان توپخانه در شب آتش
بازی می آید
و سفره را می اندازد
و نان را قسمت می کند
و پیسی را قسمت می کند
و باغ ملی را قسمت می کند
و شربت سیاه سرفه را قسمت می کند
و روز اسم نویسی را قسمت می کند
و نمره مریضخانه را قسمت می کند
و چکمه های لاستیکی را قسمت می
کند
و سینمای فردین را قسمت می کند
درختهای دختر سید جواد را قسمت می
کند
و هر چه را که باد کرده باشد قسمت
می کند
و سهم ما را هم می دهد.....

و به قول زنده یاد شاملو «مردگان آن
روز عاشق ترین زندگان بودند.»

رفقای فدایی با اندیشه های والا و
اعتقاد به کمونیسم در این راه پر شکوه
گام گذاشتند و تاریخ جنبش چپ و ایده
های انساندوستانه و مترقی را با
خونشان ثبت کردند. و آنان بشارت
دهندگان عدالت بودند. و ما را در این
جا عهدی است که به راهشان ادامه
خواهیم داد.

یاد رفقای تیم جنگل و حماسه سازان
رستاخیز سیاهکل را گرامی میداریم.
رفقا: مهدی اسحاقی، محمد رحیم
سماعی، که در درگیریهای حماسی
پس از ۱۹ بهمن به شهادت رسیدند و
رفقا غفورحسن پور اصیل، علی اکبر
صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل
انفرادی، محمدعلی محدث قندچی،
ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده
خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی،
اسکندر رحیمی مسچی، محمد هادی
فاضلی، عباس دانش بهزادی و

هوشنگ نیری که به حکم
بیدادگاههای نظامی شاه در صبحگاه
روز ۲۶ اسفند ۱۳۴۹ اعدام شدند.

با سپاس از رفقای عزیزم که این
فرصت را به من دادند تا با شما صحبت
کنم. این افتخار من است که در چنین
روزی از جنبش فدایی از رفقای فدایی
حماسه سازان سیاهکل صحبت کنم.
حتما بسیاری از شما ها می دانید که
من از نوجوانی ام با این سازمان بوده ام
و نوجوانی و جوانی و حال را زیر پرچم
سرخ این سازمان گذرانده و بزرگ
شدم. این افتخار من است که بیش از
سی و ۵ سال از عمرم را در این جنبش
گذرانده ام. من در برابر عظمت کار
رفقای بنیان گذار سازمان سر تعظیم
فرود می آورم. حماسه سیاهکل و آوازه
آن، آرمانهای این دلیران و مردان
داستانهایی بر سر زبانها بود که من
دانش آموز و همکلاسیهای مرا شیفته
آن کرده بود. مایی که در برابر بی
عدالتی، بشارت دهندگان عدالت را
چریکهای فدایی خلق می دانستیم. و
چنین بود که برای رسیدن به این دریا
تلاش می کردیم.

رستاخیز سیاهکل و تولد جنبش نوین
کمونیستی، بخشهای وسیعی از جامعه
ی ایران را تحت تاثیر قرار داد. دیری
نپایید که فریخته ترین و پیشروترین
زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی
و سوسیالیسم می تپید گرد سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران جمع شدند.
حماسه سیاهکل داستان زندگی نسل
جوان شوریده ای است که در برابر
قطبهای جهانی چپ قد علم کرد و با
پاسخ به ضرورت زمان، دست به تولد
جنبش نوین کمونیستی ایران زد.

و به درستی فدایی شهید رفیق بیزن
جزنی گفته است: «پیشاهنگ قادر
نیست بدون آن که خود مشعل سوزان
و مظهر فداکاری و پایداری باشد، توده
ها را در راه انقلاب بسیج کند.»

یکی از ویژگیهای مهم این جنبش
خارج کردن جنبش چپ ایران از حصار
قطبهای جهانی بود. در حقیقت
مهمترین خصوصیت چریکهای فدایی
خلق پاسخ دادن به ضرورتهای زمانی
بود که در آن می زیستند.

جنبش فدایی علیرغم فراز و
نشیبهایش، علیرغم نارسائیهها، کمبودها،
انحرافها و خطاهایش پرچمدار مبارزه
کمونیستها علیه دیکتاتوری شاه شد.
این جنبش و بنیانگذاران آن مانند رفقا
بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، مسعود
احمد زاده، امیرپرویز پویان، غفور حسن
پور، عباس مفتاحی، حمید اشرف و
اسکندر صادقی نژاد ارزشهایی در

جنبش کمونیستی آفریدند که هرگز از
بین نخواهد رفت.

با حماسه سیاهکل در ۱۹ بهمن سال
۱۳۴۹ جنبش فدایی متولد شد و
توانست با ایستادگی در مقابل
دیکتاتوری و با تداوم حیات خود، قطب
بندی پیرامون تضاد عمده جامعه، یعنی
تضاد بین مردم و دیکتاتوری شاه را
تسریع کند. و ما دیدیم که در استانه
قیام جنبشی که پیرامون سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران شکل
گرفت به بزرگترین نیروی سیاسی پس
از طیف نیروهای وابسته به خمینی
تبدیل شد.

خیلیها به شمول وزارت اطلاعات
جمهوری اسلامی تلاش کردند که این
جنبش و بنیانگذاران آن را از تاریخ
حذف کنند یا آن گونه که خودشان
آرزوشون بود به خورد دیگران بدهند.
تاریخ آن را جعل کردند اما همه تلاش
مذبوحانه آنان بی فایده است.
شعارهایی که امروز در خیابانها داده می
شود. رادیکالیسمی که در جنبش ضد
استبدادی وجود دارد سرودهایی که بر
زبانها جاریست و ... همه اینها حکایت
از تاثیر گذاری این جنبش دارد.

همه دیدیم که چگونه در کارزار
تبلیغاتی میرحسین موسوی از سرود
آفتابکاران که بیش از سی سال پیش
برای حماسه سازان سیاهکل سروده
شده استفاده و یا دقیق تر سوء استفاده
شد.

ایا استفاده ابزاری از این سرود که یکی
از محبوب ترین سرودها است نشان
نمی دهد که حماسه سیاهکل و
تاثیرات آن، رویدادی نیست که بتوان
آن را فراموش کرد و یا مخدوش کرد و
یا نادیده گرفت. حماسه سیاهکل تا
وقتی مردم ما علیه ظلم و بی عدالتی
مبارزه می کنند در یاد و خاطره ها
خواهد ماند.

به راستی باید از زبان آنها سرود:

به گلگشت جوانان
یاد ما را زنده دارید ای رفیقان!

که ما در ظلمت شب

زیر بال وحشی خفاش خون اشام
نشاندیم این نگین صبح فردا را

و ما این نگین صبح و روشنایی را در
پیکار جوانان در قیامهای اخیر که علیه
برج و باروی استبداد صورت می گیرد
و خواستار آزادی، عدالت، دموکراسی
و حاکمیت غیر دینی هستند می بینیم.
خانمها، آقایان دوستان و رفقای عزیز
اکنون ۸ ماه از خیزش مردم و ایجاد
شرایط انقلابی در جامعه ما می گذرد.
بقیه در صفحه ۱۸

زنان در مسیر رهائی

آناهیتا اردوان

سوزان هیل، مدافع حقوق زنان درگذشت

مدیکال نیوز، ۱۰ فوریه - "سوزان هیل"، مدافع حقوق زنان و موسس چندین کلینیک کورتاژ در سن شصت سالگی درگذشت. او که از سرطان سینه رنج می برد، بر تاسیس کلینک در مناطق روستایی، جایی که زنان به امکانات کورتاژ دسترسی نداشتند، تمرکز داشت. او بیش از هر کس دیگری در آمریکا برای این موضوع انرژی و زمان گذاشت. همزمان او می بایست در برابر مخالفان حق کورتاژ مقاومت کند زیرا آنها از ورود زنان به این کلینیکها جلوگیری می کردند. "آن رز"، یکی از نزدیکترین دوستان "سوزان هیل" در باره وی می گوید: "او با وجود تهدیدهای جانی از سوی مخالفان حق کورتاژ، حاضر به پوشیدن جلیقه ضد گلوله نبود و ابراز می داشت که آنها نمی توانند زندگی مرا به کنترل خود در آورند." "آن رز" اضافه می کند: "کسی قادر نبود کوچکترین خللی در هدف سوزان وارد آورد و او را بترساند."

"دان هیل"، برادر "سوزان" در باره او می گوید: "خواهر من یک انسان فوق العاده جدی بود. بسیاری از دوستان وی مورد سووقصد جانی قرار گرفتند و حتی کشته شدند اما این مساله هرگز او را نتراساند و در رسیدن به هدف خود گامی به عقب ننشست."

"سوزان هیل" که تحصیلات خود را در مسایل اجتماعی به پایان رسانده بود اولین کلینیک را دقیقاً یک هفته بعد از تصویب قانون حق کورتاژ توسط دادگاه عالی کشور آمریکا، در خارج از شهر میامی باز کرد. او در یک گفتگوی رادیویی در سال ۲۰۰۷ تعریف می کند که چگونه دختر جوانی که از عقب افتادگی ذهنی رنج می برد و توسط عموی سوواستفاده گر خود باردار شده بود، همراه با مادرش وارد کلینیک شد. آن دختر جوان قادر به صحبت کردن نبود و از بیماری سربال پالسی رنج می برد. مادر وی ۲۵۰ مایل رانندگی کرده بود تا دختر از نظر مغزی بیمار خود را به کلینیک برای عمل کورتاژ برساند. "سوزان هیل" اضافه می کند که داستان زندگی زنان، انگیزه ادامه کار با وجود تمام تهدیدها و خطرات جانی را در او تقویت کرده است.

پاکستان: اعمال خشونت دائمی علیه زنان

کمیسون حقوق بشر آسیا، ۶ فوریه - خشونت فیزیکی و جنسی، قتل ناموسی، ازدواج اجباری و نابرابری

ساختاری در جامعه پاکستان جزو خشونت‌های دائمی به شمار می رود که حقوق اولیه زنان را لگد مال می سازد. سال ۲۰۰۹ نیز سال تراژیکی برای حقوق زنان در پاکستان محسوب می شود. بر اساس گزارش موسسه "آرات"، یک تشکل غیر دولتی که برای پیشرفت حقوق زنان در پاکستان کار می کند از ماه ژانویه و ژوئن سال گذشته بیش از ۴۵۱۴ مورد اعمال خشونت علیه زنان گزارش شده است. از سوی دیگر، قربانیان در صورت گزارش خشونت، با بی توجهی ماموران دولتی و فشار از سوی جامعه روبرو می شوند. نود زن به خاطر "دفاع از ناموس" از ماه ژانویه تا ماه مه ۲۰۰۹ فقط در پنجاب به قتل رسیده اند. میزان واقعی قتل ناموسی بسیار بالاتر از رقمی است که گزارش شده است زیرا بسیاری این جنایت در برخی موارد گزارش نمی شود چون از سوی افراد فامیل مانند همسر، برادر، پدر و برادر شوهر انجام می شود. این قتلها معمولاً از سوی دادگاههای قبیله ای به تصویب می رسد که بسیار قدرتمندتر از قوانین کشوری عمل می کنند. زنان پاکستانی گذشته از قتل ناموسی، به طور روزانه مورد انواع مختلف خشونت قرار می گیرند، خشونت خانگی یکی از آنهاست. زنان با کتک، شکنجه و قتل از سوی همسران خود روبرو هستند. اعمال خشونت جنسی، آزار و اذیت‌های جنسی، تجاوز و تجاوزهای دست جمعی نمونه هایی رایجی است که از پایین بودن موقعیت زنان در جامعه پاکستان خبر می دهد. زنان در جامعه پاکستان همچون کالایی برای رفع نزاع و یا حل مساله ای مورد معامله قرار می گیرند. فرمان ازدواج کودکان با یکدیگر و همچنین به همسر درآوردن دختران جوان و زیر سن برای مردان سالمند از سوی دادگاه های قبیله ای بسیار رایج است.

هرگونه میثاق با طالبان می بایست حمایت از حقوق زنان افغانستان را تضمین کند

سازمان ملل، ۶ فوریه - "کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان" عنوان کرد که هرگونه میثاق بین طالبان و دولت افغانستان می بایست به طور روشن دفاع و حمایت از حقوق زنان را تضمین کند. این کمیته متشکل از ۲۳ متخصص حقوق زنان، نگرانی عمیق خود را در باره عدم وجود یک استراتژی روشن در پروسه گفتگوی دولت افغانستان با نمایندگان طالبان جهت حمایت از حقوق زنان عنوان کردند. این کمیته در حالی که تعهد دولت افغانستان و نرمش دولتها و متحدان بین المللی جهت تامین صلح، پیروزی و آینده ای دموکراتیک را مورد ستایش قرار می دهد، ابراز می دارد که دولت افغانستان و متحدانش در راستای

بقیه در صفحه ۱۹

متن سخنرانی

زینت میرهاشمی

بقیه از صفحه ۱۷

در آبان ماه امسال ششمین اجلاس شورای عالی سازمان برگزار شد. ما در این نشست به بررسی قیامی که جریان دارد پرداختیم. در این فرصت من به به چند مورد از مواد تصویب شده در این اجلاس در رابطه با شرایط روز می پردازم.

در مورد تضاد عمده و کانون ستیز در جامعه ایران چنین نتیجه گرفتیم که: «تضاد عمده در ایران که از خصلت و ماهیت مناسبات اقتصادی و قدرت سیاسی ناشی می شود، تضاد بین مردم و قدرت سیاسی یعنی استبداد مذهبی ولایت فقیه است. این تضاد در اصطکاک بین زندگی اجتماعی مردم و رژیم حاکم نمایان می شود.

رژیم ایران که مدافع «آزادی تجارت» به شکل سوداگری، جلب حمایت انحصارات نئولیبرالی و ساخت و پاختهای بین المللی است، به منظور تامین امنیت و کسب هژمونی در خاورمیانه به صدور بنیادگرایی اسلامی مبادرت می کند.

حاکمیت ایران بر اساس یک نظام دینی و با سرکوب در داخل و توسعه بنیادگرایی اسلامی در خارج به حیات خود ادامه می دهد. این رژیم تا کنون بیشترین کمک را به نیروهای جنگ طلب در سطح جهانی نموده است.»

طعننامه در باره تحولات سیاسی در شرایط کنونی، مصوب ششمین اجلاس شورای عالی سفخفا)

در مورد راه حل‌های خامنه ای به این جمع بندی رسیدیم که حاکمیت کوشش می کند «بحران را به سود خود مدیریت کند. اما نکته مهم و محوری این است که قدرت حاکم نمی تواند به «شکل گذشته» حکومت کند و ناچار است به دنبال راه حل باشد.

برای خامنه ای در کلی ترین حالت دو راه حل وجود دارد. راه اول تن دادن به عقب نشینی و تجدید انتخابات است. این راه حل قیام و خیزش مردم را با شتاب به سمت تغییر رادیکال جهت می دهد. راه حل دوم ادامه سرکوب تا جایی که در توش و توانش باشد. خامنه ای تاکنون در مسیر دوم حرکت می کند. در شرایطی که هزینه سازش برای وی و جناح مغلوب بسیار بالا رفته، وی باید همزمان هم جنبش در پائین را سرکوب کند و هم شکاف در بالا را ترمیم نماید. بدیهی است که سازش در بالا برای ولی فقیه از جنس

راه حل اول تلقی می شود.» (همان جا)

در مورد صف بندیهای موجود ما نتیجه گرفتیم که: «در مقابل قدرت حاکم دو صف بندی در کلی ترین حالت شکل گرفته است.

«صف رفرم و صف انقلاب. انباشت تضادها و شدت و حدت آن و نیز شیوه اعمال حاکمیت از جانب قدرت مسلط وضعیتی به وجود آورده که جبهه رفرم و جبهه انقلاب در همسوییهای با هم به سر می برند. ترکیب خیزشها و تنوع شعارها و شکل سازمانی که جنبش به خود گرفته این پدیده خاص در این مرحله را تأیید می کند.» (همان جا)

و بالاخره ما در جنبش مردم ایران خود را چنین تعریف کردیم: «ما همچنان که در منشور سازمان آمده است برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه (انقلاب سیاسی دمکراتیک) و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی تلاش می کنیم..... ما به به مثابه یک جریان سیاسی چپ، جزئی از جنبش آزادیخواهی بیشماران هستیم. ما در تمامی خیزشها و قیامهای زنان و مردان ایران زمین شرکت و مداخله می کنیم.

سیاست تشکیلاتی ما در جهت پیشرفت قیام و همگامی با شبکه های بیشماران است. ما با آشنایی با فورومهای اجتماعی در جنبشهای جهانی و طی سالها کار تشکیلاتی و تبلیغاتی باید تمامی تلاش خود را معطوف به پیشرفت قیام برای سرنگونی رژیم استبداد مذهبی ولایت فقیه و تحقق آزادی کنیم.» (همان جا)

اجازه دهید در پایان صحبت‌هایم به این نکته تاکید کنم که با توجه به مصوبات شورای عالی سازمان، ما بر این اعتقادیم که هر چشم اندازی که در افق تحولات آتی باشد، ما برای پیشبرد امر انقلاب دموکراتیک تلاش می کنیم. بدیهی است ما از هر روزنه و شکافی در درون هرم قدرت سود می جوئیم، اما یک لحظه تردید نمی کنیم که ما بر طبق آن چه از قطعنامه سیاسی شورای عالی برایتان نقل کردم، در خدمت تحقق انقلاب دموکراتیک در این مرحله هستیم. از این نظر است که ما مدافع ایجاد جبهه همبستگی و مدافع اتحاد و همکاری بین نیروهای جمهوریخواه هستیم. هم از این نظر است که ما از هر جنبش دموکراتیک علیه نظام موجود حمایت می کنیم.

و بالاخره ما مدافع عمل مستقیم مردم در اشکال مختلف هستیم و برای این به سهم خود مردم را به تظاهرات روز ۲۲ بهمن با شعار «مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی فرا می خوانیم.

پیروز و پایدار باشید

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۸
گفتگو با طالبان جهت دستیابی به صلح و دموکراسی می بایست یکی از مهمترین اصول آن که همانا "رعایت حقوق زنان" می باشد را در راس خواسته های خود قرار دهند. علاوه بر این، این کمیته از محرومیت زنان افغانستان از شرکت در نهادهای تصمیم گیری یاد می کند و ابراز می دارد که نظرات و ظرفیت زنان افغانستان مساله ای بنیادین و لازم برای تاسیس یک افغانستان پیشرفته و دموکرات بر پایه اجرای قانون، دموکراسی، عدالت، حقوق بشر و برابری جنسیتی است.

زنان عراقی خواستار شرکت گسترده تری در ساختار سیاسی هستند

نیویورک تایمز، ۱۶ فوریه - دستکم ۲۵ درصد کرسیهای مجلس کشور عراق بر اساس قانون اساسی کشور می بایست به زنان اختصاص یابد اما زنانی که در انتخابات قبلی به مجلس راه پیدا کردند اعتقاد دارند که قادر نبودند اصلاحاتی جهت پیشرفت حقوق زنان به وجود آورند. دوازده زن عراقی که در قدرت سیاسی نیستند، با نزدیک شدن روز برگزاری انتخابات پارلمانی (۷ مارس) با تشکیل گروه و پلاتفرمی بر اساس دفاع از حقوق زنان و ایجاد شغل برای آنان به خصوص برای بیش از هفتصد هزار زن بیوه عراقی، جانی تازه در تلاش زنان برای دستیابی به قدرت سیاسی دمیده اند. "جناب مبارک"، موسس این جریان اجتماعی ابراز می دارد که اکنون زنان عراقی در می یابند که جریانی وجود دارد که به خود آنان تعلق دارد زیرا زنان در احزاب سیاسی دیگر معمولاً توسط مردان به گوشه ای کنار زده می شوند. این جریان متعلق به زنان می باشد و برای پیشرفت تحصیلی و اقتصادی آنها در جامعه ای که زنان نسبت به مردان در معضل بیکاری، فقر و تحصیلات پایین تری رنج می برند، تلاش می کند.

بسیاری از گروههای مدافع حقوق زنان بعد از جنگ و اشغال کشور خواستار اختصاص حداقل ۴۰ درصد از کرسیهای مجلس کشور به زنان شدند. قابل توجه است که بسیاری از زنانی که کرسی مجلس عراق را در انتخابات پیشین به خود اختصاص دادند ابراز می دارند که در صورت دفاع از آزادی زنان حتی از سوی زنان دیگر به قتل تهدید شده اند. نیویورک تایمز همچنین عنوان می کند که زنان عراقی در مجلس از مردان

عراقی جدی تر، فعال تر و بیشتر به مسایل اجتماعی اهمیت می دهند. بیشتر از ۶۵۰۰ نامزد انتخاباتی برای ۳۲۵ کرسی مجلس با هم رقابت می کنند. خانم "مبارک" به پیمان "اتحاد عراق" که یک ائتلاف سکولار است پیوسته است زیرا این ائتلاف از حقوق زنان در عراق دفاع می کند.

محکومیت نقض حقوق بشر در عراق از سوی آمریکا، انگلیس، آلمان، کانادا و فرانسه

رویتر، ۱۷ فوریه - ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان، انگلیس و کانادا جزو کشورهایی بودند که نقض حقوق بشر در کشور عراق را در گفتگویی در شورای حقوق بشر ملل متحد تقیب کردند. شکنجه مساله بسیار نگران کننده و نابخشودنی معرفی شد. افزوده بر این، ادامه و افزایش اجرای اعدام در دو سال گذشته بسیار نگران کننده ارزیابی گردید. سال گذشته تقریباً ۷۹ نفر از طریق اعدام جان خود را از دست داده اند، قتل ناموسی بسیار رایج است، خبرنگاران مورد تهدید قرار می گیرند و فشار مذهبی آزادی قلم، بیان و نشر را محدود ساخته است.

حمله کوتوله سیاسی به دیدگاههای مارکسیستی پیرامون زنان

آفتاب، ۸ بهمن - احمدی نژاد، رئیس جمهور ولایت ورشکسته فقیه در صحبتهایش در "همایش بین المللی زنان دانشمند جهان اسلام" با انتقاد از تفکر مارکسیسم و اومانسیسم گفت: "به لطف خدا مارکسیسم به تاریخ پیوسته است اما یکی از شعارهای این تفکر و سایر تفکرهای مادی، برابری زن و مرد بود که یکی از بزرگترین ضربه ها را به زن زده است. با این شعار ببینید که زن را به کجا رسانده اند؟ مقام زن را حتی از کالا پایین تر آورده اند."

او با اظهار ناخرسندی از تلاش کوشندگان حقوق زنان برای رفع تبعیض و ستم جنسیتی گفت: "این که عده ای از خانمها اعلام می کنند که به دنبال احقاق حقوق زنان هستند، حرکت در پلان قبلی است و تا وقتی زنان به دنبال حقوق زنان باشند، همین شرایط که بر زنان دنیا حاکم است، ادامه خواهد یافت. ما باید به دنبال اصلاح جهان باشیم که با اصلاح جهان آن وقت جایگاه زنان نیز مشخص خواهد شد. من از زنان می خواهم که افق خود را بالاتر ببرند و به دنبال اصلاح جهان باشند."

رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۲۰
بنا بر گزارش رسانه ها، این سمفونی که ابتدا قرار بود زیر نام "سمفونی انقلاب" در جشنواره موسیقی فجر اجرا شود، ناگهان با افزایش احتمال بروز تحریمها علیه ایران در اجلاس ۵+۱، به سمفونی "صلح و امید" تغییر نام داد و با سرعت تمام برای اجرا در کشورهای بلژیک، ایتالیا، سوئیس و هلند توسط وابسته های فرهنگی سفارتخانه ها برنامه ریزی شد.

فیلم و سینما

رخشان بنی اعتماد جایزه خود را تقدیم مادران عزادار کرد

پنجمین دوره جشنواره جهانی "حفظ میراث سینما" که به یادبود پدر سینما تک فرانسه "هانری لانگ لوا" نامگذاری شده است، در شهر ونسن فرانسه با حضور بزرگان سینمای جهان در روز اول فوریه به کار خود پایان داد.

چهره هایی از عالم سینما هم چون "کلودیا کاردیناله" و "ماریزا برونسون" و کارگردانان شناخته شده ای چون "جان پیر موه"، "کلود پینوتو" و آهنگساز برجسته، "ولادیمیر کوسما" در این جشنواره معتبر حضور داشتند.

رخشان بنی اعتماد، کارگردان نامدار سینمای ایران برای مجموعه آثار سینمایی اش توانست جایزه معتبر "هانری لانگ لوا" را از آن خود کند. او هنگام دریافت جایزه خود از رییس جشنواره ونسن گفت: "من این جایزه را تقدیم می کنم به تمام مادران عزادار وطنم" در پنج سال گذشته این دومین بار است که چنین جایزه ای به یک کارگردان سینما تعلق می گیرد.

تحریم جشنواره برلیناله از جانب شماری از هنرمندان مقیم خارج کشور

شماری از ایرانیان خارج کشور با شرکت فیلمهای کارگردانان داخل کشور در جشنواره های بین المللی مخالفند. در برلین هم جمعی از ایرانیان مردم را دعوت به تحریم "برلیناله" کرده اند.

یکی از کسانی که خواهان تحریم برلیناله شده، داریوش شکوف، فیلمساز ایرانی مقیم برلین است. شکوف به تازگی دو فیلم در رابطه با جریانات پس از انتخابات ریاست جمهوری ساخته ("تاکسی برای بهشت" و "ایران زندان") و به موضوع شکنجه و آزادی فردی و اجتماعی در ایران پرداخته است. با اینکه این کارگردان قصد شرکت در جشنواره مذکور را داشته اما بعداً از آن خودداری می کند و در نامه ای علت درخواست حذف فیلم خود را پشتیبانی "برلیناله" از سیاست سرکوب جمهوری اسلامی ذکر می کند.

شکوف متعجب است از اینکه یک جشنواره ی سینمایی "با وجود اتفاقات فاجعه بار پس از انتخابات ریاست جمهوری" حاضر به نمایش فیلمهای ارسالی از سوی نهادهای دولتی ایران باشد. او معتقد است که "جمهوری اسلامی در ماههای گذشته با کشتن مردمی که با دست خالی خواهان حقوق حقه ای خود بودند، نشان داد که یکی از منفرترین حکومتهای جهان است و باید از هر نظر تحریم شود."

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی

اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 296 20 Feb. 2010 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

هدف هنر نشان دادن شکل بیرونی قضیه نیست بلکه تصویری از اهمیتی که در عمق آن وجود دارد می باشد. (ارسطو، منتقد، فیلسوف و فیثیکدان یونانی)
- زندگی من پیام من است. (مهاتما گاندی، رهبر ملی هند)

ادبیات

لغو مراسم تولد و جایزه هدایت

جایگاه غیر قابل انکاری که صادق هدایت، نویسنده "بوف کور" به عنوان یکی از پایه‌گذاران داستان‌نویسی مدرن ایران دارد، برای جمهوری اسلامی به یک معضل تبدیل شده است. از یک سو نمی توان نام و آثارش را به کلی از صحنه ادبیات رسمی محو کرد، از سوی دیگر کمتر نوشته‌ای از هدایت وجود دارد که با سلیقه و پسند حکومت سازگار باشد.

روز ۲۸ بهمن ماه مصادف با ۱۰۷مین سالروز تولد صادق هدایت است. قرار بود مراسم اهدای هشتمین دوره‌ی جایزه هدایت در این روز برگزار شود. جهانگیر هدایت، برادرزاده هدایت می‌گوید: "امسال برای تولد و جایزه ادبی صادق هدایت برنامه‌ای نخواهیم داشت."

اگر چه کپی غیرمجاز کتابهای صادق هدایت را در اغلب دستفروشیها می‌توان یافت، با این همه گاهی عرضه‌ی آثاری از او که با مجوز وزارت ارشاد منتشر شده نیز در نمایشگاه کتاب تهران با مخالفت مسوولان روبرو شده است. جهانگیر هدایت در این باره گفت با وجود برنامه ریزیهای زیاد برای این مراسم، اطمینان ندارد که مراسم را لغو نکنند.

در گذشت دکتر فرشیدورد، استاد زبان و ادبیات فارسی دکترخسرو فرشیدورد، استاد زبان و ادبیات فارسی در تنهایی و بیماری در "سرای سالمندان نیکان" در تهران چشم بر جهان فرو بست اما تا روزها بعد هیچ خبری در باره درگذشت وی اعلام نشد.

دکتر فرشیدورد از استادان پیشکسوت دانشکده زبان و ادبیات فارسی و دارای شهرت جهانی و دیدگاه‌های ویژه در عرصه دستور زبان بود. مقالات و کتابهای فراوان و بسیار ارجمندی در حوزه دستور زبان فارسی و زبان شناسی و نقد ادبی و تحقیقات ادبی از وی برجای مانده است.

فرشیدورد به عنوان ادیب و محقق در اغلب حلقه‌های ادبی و دانشگاهی از شهرت ویژه ای برخوردار بود اما توده مردم بیشتر او را به خاطر غزل معروف "این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست" می‌شناختند.

دکتر فرشیدورد چند سال قبل از دانشگاه تهران بازنشسته شد. وی مدتی را با بستگانش زندگی کرد و چندی پیش به "سرای سالمندان نیکان" منتقل شد. چندی پیش، یکی از انجمنهای فرهنگی یادنامه‌ای را در بزرگداشت این استاد به قلم کمال حاج سید جوادی منتشر کرده بود.

بیانیه کانون نویسندگان ایران در تبعید

کانون نویسندگان ایران در تبعید در بیانیه‌ای به مناسبت ۲۲ بهمن می نویسد: "سی و یک سال سال از انقلاب بزرگ مردم ایران برای تحقق خواسته‌های برحق خود می‌گذرد و هنوز این خواسته‌ها صورت واقعیت به خود نگرفته‌اند.

سر خط این خواسته‌ها، آزادی اندیشه و بیان و تشکل بود که حکومت شاه هزاران قربانی برای به ثمر رسیدن آن از مردم گرفت و حکومت اسلامی جانشین آن نیز انبوه مردم را به خاطر مبارزه در راه آن، قتل عام کرد.

اکنون در آستانه سی و دومین سال فراگرد انقلاب بهمن، بار دیگر مردم ایران در ابعاد میلیونی به خیابانها آمده

اند تا از عزت و شرف آزادی دفاع کنند، به سخن ترین جانیتهای رژیم جمهوری اسلامی پایان دهند و بندهای اسارت دیرینه سال خود را از هم بگسلند."

بیانیه مذکور در ادامه می‌افزاید: "جمهوری اسلامی دچار بزرگ‌ترین بحران درونی خود است و بر لبه پرتگاه سرنگونی قرار دارد. اکنون آرزوی مردم ایران برای دستیابی به خواست برحق آزادی در آستانه واقعیت یافتن است.

آزادی اندیشه و بیان را بیش از این نمی‌توان در بند نگه داشت. روز رهایی نزدیک است."

دستگیری ۲۱ فعال زن در هفته منتهی به ۲۲ بهمن

در هفته منتهی به ۲۲ بهمن در پی دستگیریهای گسترده، حداقل ۲۱ زن فعال در حوزه‌های مختلف خبری، هنری، فمینیستی و ... بازداشت شده‌اند.

از میان زنان دستگیر شده حوادث پس از حوادث انتخابات، هنوز تعدادی از زنان در بازداشت پسر می‌برند که برای برخی از آنان احکامی صادر شده است. از جمله می‌توان به شبنم مددزاده اشاره کرد که به تازگی به ۵ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان رجایی‌شهر محکوم شده است.

موسیقی

پاسخ منفی هنرمندان به جشنواره موسیقی فجر

فریدون شه‌بازیان، علی اکبر شکارچی و کیوان ساکت هم به جمع هنرمندانی پیوستند که داوری بیست و پنجمین دوره از جشنواره موسیقی فجر را نپذیرفته‌اند.

ارفع اطرائی نیز پیش از این از رد داوری این دوره جشنواره موسیقی فجر خبر داده بود.

افشای اهداف برگزاری کنسرت جمهوری اسلامی در اروپا

در حالی که همزمان با برگزاری اجلاس گروه ۵+۱ جمهوری اسلامی اقدام به برگزاری تور نمایشی رایگان برای اجرای کنسرتی تحت عنوان "صلح و امید" در اروپا کرده بود، عده‌ای از ایرانیان در مقابل و در داخل سالنهایی که این کنسرت با هزینه جمهوری اسلامی برگزار می‌شود دست به افشاکاری زدند.

بقیه در صفحه ۱۹

شهادت فدایی

اسفند ماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سولانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی تقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی - فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوریان - جلیل خوری نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم